

((سلسله درسهای عقیده))

قرآن

معجزه جاوید پیامبر ص

تدوین و تقدیم :

مؤسسه ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فهرست مطالب

بخش اول : نبوت

- ۵ -۱ مقدمه
- ۶ -۲ نیاز مردمان به پیامبر
- ۸ -۳ پیامبر کیست ؟
- ۸ -۴ مهمترین وظایف پیامبران
- ۱۲ -۵ صفات اساسی برای حمل رسالت
- ۲۲ -۶ رهبری بی نظیر امت
- ۲۵ -۷ اخبار غیبی از زبان پیامبر
- ۳۴ -۸ شناخت پیامبران راستین

بخش دوم : وحی و معجزه

- ۳۶ -۱ وحی چیست ؟
- ۳۷ -۲ قرآن از زبان چه کسی شنیده شده است ؟
- ۴۰ -۳ اعجاز قرآن
- ۴۱ -۴ در زمینه ی ارائه ی جهان بینی کامل

- ۴۲ ۵- در زمینه ی ایدئولوژی و تشریح و احکامِ فراگیر
- ۵۱ ۶- در زمینه ی علوم تجربی
- ۶۸ ۷- در زمینه ی علوم هنری
- ۷۳ ۸- در زمینه ی بیان اخبار غیبی
- ۸۱ ۹- در زمینه ی محاسبات عددی ودقیق ریاضی
- ۸۴ ۱۰- آیا قرآن جوابگوی نیازهای انسان در تمامی ادوار می باشد ؟
- ۸۶ ۱۱- ثوابت و متغیرات در اسلام
- ۸۸ ۱۲- اثر ایمان به وحی
- ۹۰ ۱۳- منابع و مآخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاصْحَابِهِ وَاتَّبَاعِهِ أَجْمَعِينَ...

قرآن کریم حق بسیار بزرگی بر گردن تمامی مسلمانان دارد که متأسفانه مسلمانان آنچنانکه شایسته است آن حق را ادا ننموده اند و نسبت بدان کوتاهی ورزیده و سستی ورزیده اند. به یقین خیلی زود هم به عقوبت این سهل انگاری در دنیا گرفتار شدند و عقوبت اخروی هم در انتظار آنان است.

مسلمانان به هر اندازه نسبت به قرآن قصور کردند به همان اندازه از کاروان تمدن و ترقی بازماندند و به همان میزان هم از امنیت و سلامت محروم شدند و با تقلید از دیگران سرمایه های مادی و معنوی خود را هم در این راه باختند. غافل از اینکه عزت و سربلندی آنها در پیروی از قرآن و ذلت و خواری آنها در ترک قرآن است. خداوند متعال در این باره می فرماید:

« كَتَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ ۖ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو

الْأَلْبَابِ »^(۱) قرآن کتاب پرخیر و با برکتی است و آن را برای تو فرو فرستاده ایم تا درباره آیه هایش بیندیشید و خردمندان پند گیرند .

« وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ »^(۲) و قرآن مایه

بیداری تو و قوم توست ، و از شما (در باره این برنامه الهی) پرسیده خواهد .

هدف از تدوین این رساله اشاره ای مختصر به گوشه هایی از اعجاز قرآن برای جویندگان حق و راستی است ، امید است مورد استفاده عزیزان قرار گرفته و نهال ایمان را در قلب های پاک آنان آبیاری نموده و ما را با دعای خیر خود یاری نمایند.

موسسه فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

بخش اول :

نبوت

- نیاز مردمان به پیامبر
- پیامبر کیست ؟
- مهمترین وظایف پیامبران
- صفات اساسی برای حمل رسالت
- اخبار غیبی از زبان پیامبر
- رهبری بی نظیر امت
- شناخت پیامبران راستین

نیاز مردمان به پیامبر

خداوند انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داد و وظیفه اش را عبودیت و بندگی مقرر نمود و خوی عبودیت و بندگی را در نهاد وی به ودیعت نهاد. بر همین مبنا آدمی در اعماق درون خود نیاز به تدین و دینداری را احساس می نماید. اگر با بصیرت جامعه ی انسانی را مورد مشاهده قرار دهیم، می بینیم که، همه ی اقوام و ملل جهان هریک در گذشته و حال برای خود، آلهه و معبودها و نوع خاصی عبادت داشته و دارند، و حتی تدین در نزد ملحدین هم به نوعی اندیشه و تفکر و مکتب و مسلک خاصی تبدیل شده است و آنان هم هرگز نتوانسته اند خویشان را از نوع خاصی از انقیاد و پای بندی به اصول فکری بر حذر دارند چون خوی دینداری جزء لاینفک وجود انسان است. و نمی تواند از آن رهایی یابد. بنابراین همه ی انسانها دیندارند، هرچند عده ای، ادعا نمایند که ما پای بند به هیچ دین آسمانی نیستم، به یقین آنان پای بند دین زمینی هستند و همان تفکرات و اندیشه ی آنها که برایش و در راهش جانفشانی و تلاش می نمایند (خواه پول و ثروت، مقام و منزلت، شهوت و لذت و... باشد) همان دین آنها است.

انسان طوری آفریده شده است که هدف از آفرینش خویش، و تشخیص خیر و شر، و روش ارتباط با پروردگار هستی، و تخلق به صفات مورد رضایت او و دوری از اعمال ناپسند و مورد خشم او و شیوه عبودیت و پرستش خداوند رانمی داند. همچنین نمی داند چرا می میرد و بعد از مرگ چه چیزی در انتظار اوست؟ وسیله و ابزار کسب این معارف را هم ندارد و اگر این امورات را به عقل خویشتن واگذار نماید بی شک او را به گمراهی، خرافات، ضلالت و نابودی سوق خواهند داد. بنابراین با توجه به عجز و ناتوانی انسان در پاسخ گفتن به این سؤالات مهم و همچنین عدم معرفت او نسبت به آفریننده هستی، مقتضی آن است که انسان در این باره از طریق ارتباط با منشأ آفرینش ارشاد و راهنمایی شود.

آفریننده هستی از میان انسان ها کسانی را برای ارشاد و راهنمایی مردمان برگزیده و با علم و حکمت بسوی آنان روانه کرده است .

« هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ
وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي

ضَلَّلِ مُبِينٍ»^(۳) خدا کسی است که از میان بیسوادان (ناتوانان در پاسخگویی به این سئوالات و بی خبران از هدایت واقعی) پیغمبری را برانگیخته است و به سویشان گسیل داشته است ، تا آیات خدا را برای ایشان بخواند و آنان را پاک بگرداند ، او بدیشان کتاب (قرآن) و شریعت را می آموزد ، اینان پیش از آن ، واقعاً در گمراهی آشکاری بودند ...

پیامبر کیست ؟

پیامبر فرستاده و مردی است حر و آزاده که خداوند متعال او را از میان مردمان برگزیده و به او رسالت و منهج و برنامه عطاء کرده است و به تبلیغ آن مکلف نموده و صفاتی که لازمه دریافت وحی و حمل مسئولیت دعوت الی الله است به او بخشیده است.

پیامبر از جنس بشر و همچون سایر انسانها در معرض صحت و مرض ، و قوت و ضعف و مرگ و زندگی بوده و قدرت رساندن نفع و ضرر نه به خود و نه به دیگری را نداشته و فقط به او وحی می شود و از غیب هم چیزی جز به مقداری که خداوند اراده نماید، نمی داند.

« قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ »^(۴) (ای پیغمبر) بگو: من

فقط انسانی همچون شما هستم و به من وحی می شود .

« قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ

كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثِرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ^ع

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ »^(۵) بگو: من مالک سود

و زیبایی برای خود نیستم ، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و اگر
غیب می دانستم ، منافع فراوانی نصیب خود می کردم و اصلاً شر و
بلا به من نمی رسید من کسی جز بیم دهنده و مزده دهنده
مؤمنان (به عذاب و ثواب یزدان) نمی باشم.

مهمترین وظایف پیامبران

حکمت خداوند متعال اقتضا نموده که فرستادگانی به سوی
انسان ها روانه فرماید. تا آنها را از انحراف و شرک نجات و به راه

^۴- کهف/ ۱۱۰ - اعراف/ ۱۸۸

راست هدایت نماید و قافله فرستادگان در طول تاریخ به صورت مستمر جهت تکمیل پروژهٔ عظیم نظام ربانی در تلاش و جهاد مستمر بوده اند و مهمترین وظایف آنها عبارت بوده است از :

۱- تبلیغ رسالت بصورت کامل در محدودهٔ وحی الهی و ارائه روش عملی و عدم اکراه و اجبار بر پذیرش دین خدا ، بدون دریافت هیچگونه اجر و پاداش از مردمان .

« مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلْغُ ... »^(۶) پیغمبر وظیفه ای جز تبلیغ (و رساندن پیام آسمانی) ندارد.

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ...»^(۷) اجبار و اکراهی در (قبول) دین نیست.

« يَنْقَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنَّا نَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي ... »^(۸) در برابر (تبلیغ رسالت و بیان) آن من از شما پاداشی درخواست نمی کنم پاداش من تنها بر آن کسی است که مرا آفریده است...

^۶ - مائده/ ۹۹ ۷- بقره/ ۲۵۶ ۸- هود/ ۵۱

۲- شناساندن آفریدگار ، صفات کمال او ، و حق خداوند بر مردمان . همچون ؛ شناخت و معرفت او ، ایمان و باور قلبی بدو ، پرستش ، اطاعت و بندگی خالصانه ی برای او ، و ممانعت از بندگی انسان برای بشر، و نفس خود ، و سایر آلهه می باشد.

۳- شناساندن عالم غیب (فرشتگان و قیامت و...) به مردمان در محدوده وحی الهی . چون عالم غیب خارج از دایره محسوسات و تعقل و اندیشه بشری است.

۴- بیان احکام شرعی در ارتباط با روابط انسان با خدا (احکام عبادات) و روابط فرد با دیگران (احکام معاملات و جزا و عقوبات و ...)

۵- بیدار کردن قلوب با بیان آیات خداوند در جهان آفاق و انفس و تحریک انگیزه های درونی در جهت تحقق ایمان در دلها با ترغیب و بشارت به بهشت و نعمات جاوید آن و با ترهیب و ایجاد ترس و بیم از دوزخ و عذابهای سخت آن ...

۶- ارائه بهترین اسوه ی عملی منهج ربانی با گفتار و رفتار و اخلاق خود ...

صفات اساسی برای حمل رسالت

خداوند متعال پیامبران را به صفات برجسته متخلق ساخته ، سپس آنها را به سوی مردمان روانه کرده است. از جمله ی آن صفات :

۱- **صداقت و راستگویی** : کسی که ادعای نبوت دارد و خویشتن را فرستاده ی خداوند متعال معرفی می کند ، لازم است ؛ در تمامی گفتارها، و وعده هایی که می دهد و پیمانهایی که می بندد ، صادق و راستگو باشد و اگر در صفت صداقت و راستگویی او خلل و خدشه ای وارد شود ، از دیدگاه مردم دروغگو و کذاب بوده، و فرستاده ی خداوند نخواهد بود .

هنگامی که هرقل قیصر روم آوازه ی پیامبر اسلام را شنید به کارگزارانش گفت ؛ مردی از این قوم نزد من بیاورید. چون ابوسفیان را نزدش بردند ، در ضمن سئوالاتش پرسید : ” آیا قبل از این سخنانی که اکنون می گوید (دعوت به اسلام و کلمه لا اله الا الله

و... (هرگز متهم به دروغگویی بوده است و یا دروغی او وی شنیده اید ؟ ابوسفیان گوید ؛ گفتم : نه ... هرگز «^(۹) .

به هنگامی که آیهٔ « وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ »^(۱۰) نازل

شد، پیامبر (ص) بر بالای کوه صفا رفت و مردمان را ندا داد ، چون مردم گرد آمدند . گفت : اگر به شما خبر دهم که لشکری در پشت همین کوه کمین کرده است و می خواهد به شما حمله کند ، آیا مرا تصدیق می کنید ؟ گفتند : بلی ، چون تا کنون دروغی از تو نشنیده ایم . پس فرمود ؛ من از سوی خداوند متعال برگزیده شده ام تا شما را انذار دهم و از عذاب سخت دوزخ بترسانم . ابولهب می گوید : مرگت باد ای محمد برای اینکار ما را جمع کرده ای ؟

پیامبر (ص) هنگامی که برای ادای عمره القضاء به مکه رفت ، بنا به قراردادی که میان پیامبر و قریشیان بسته شده بود ، مقرر گردید که پیامبر (ص) بیش از سه روز در مکه توقف ننماید.

حاکم بن حویطب گوید من و سهیل بن عمرو در روز سوم نزد پیامبر رفتیم و گفتیم ؛ وقت عمل به وعده ات رسیده است. از شهرمان خارج شوید .

۹- رواه الشیخان ۱۰- شعراء/۲۱۴

پیامبر (ص) به بلال گفت : اعلام کن کسانی که با ما آمده اند باید قبل از غروب خورشید از مکه خارج شویم .

۲- التزام عملی به برنامه و منهج : اگر کسی دیگران را به سوی چیزی دعوت کند و آن را نیک بنامد و خود بدان عمل نکند و یا عصیان و نافرمانی ورزد نشانه ی خائن بودن وی است نه امین رسالت بودن .

پیامبر (ص) در اجرای دستورات خداوند متعال بیش از همه تلاش می نمود و به رعایت آن التزام کامل داشت .

حضرت عایشه (رض) گوید : پیامبر (ص) شب ها آنقدر نماز می خواند که پاهایش ورم می کرد . به او گفتم : ای پیامبر خدا (ص) چرا چنین خود را به زحمت می اندازی در حالی که خداوند گناهان گذشته و آینده ات را بخشیده است . می فرمود : آیا بنده ای شکرگزار نباشم .^(۱۱) رواه الشیخان

پیامبر علاوه بر روزه ی ماه رمضان اکثر ماه شعبان و دوشنبه ها و پنج شنبه ها روزه می داشت . ام المؤمنین جویریة (رض) گوید : پیامبر(ص) در هنگام رحلتش دینار و درهم ، و برده و کنیزی از پس

۱۱- لیغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تاخر ...

خود برجای نگذاشت ، جز استر سفید که بر آن سوار می شد و اسلحه اش که با آن جهاد می نمود . و زمینی که آن را هم برای مسافران در راه مانده اختصاص داد ...

همسران پیامبر (ص) ، چون همسران اصحاب و همسایه ها را نگریستند ، دیدند که خوراک و پوشاک آنها تغییر کرده و وضع آنها بهتر شده است ، اما در وضع و حال خود هیچگونه تغییری مشاهده نمی کردند و چنان هم احساس نمی کردند که پیامبر (ص) در فکر تغییر وضع معیشتی آنها باشد ، لذا در منزل ام المؤمنین ام سلمه گرد آمدند و به شور و مشورت پرداختند و تصمیم گرفتند ، یکی از آنان به نمایندگی امهات المؤمنین نزد پیامبر(ص) برود و خواستار ارتقای سطح زندگی مادی آنها در حد اصحاب و همسایه ها شود . ام سلمه را که از همگان مسن تر بودند برای این کار انتخاب نمودند، او پیام همسران را به ایشان ابلاغ نمود . پیامبر (ص) فرمود: آنچه که گفتید خداوند متعال شنید ...

بعد از مدتی آیات ۲۸ و ۲۹ سوره ی احزاب نازل شد : و پیامبر (ص) قبل از همه نزد عایشه رفت و بدو گفت : من تو را از امری آگاه می کنم اما می خواهم که در پاسخ شتاب نکنی تا با پدر و مادرت مشورت نمایی و نظر آنها را جویا شوی .

عایشه می گوید : آن امرچیست ؟ حضرت این آیات را تلاوت می نماید: « يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلًّا لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا » ای پیامبر (ص) به همسرانت بگو : اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می خواهید ، بیایید تا به شما هدیه ای مناسب بدهم و شما را به طرز نیکویی رها سازم . و اما اگر شما خدا و پیغمبرش و سرای آخرت را می خواهید (و به زندگی ساده از نظر مادی قانع هستید) خداوند برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی را آماده ساخته است .

حضرت عایشه (رض) فرماید : در این باره نظر پدر و مادرم را جویا شوم ؟ ! معلوم است من خدا و فرستاده اش را انتخاب می کنم ... سپس پیامبر (ص) نزد تک تک همسران رفت و نظر آنها را جویا شد . همگی خدا و رسول او و زندگی آخرت را برگزیدند (۱۲) ...

پیامبر (ص) همیشه بشاش و تبسم بر لب داشت و آسانگیر و نرمخو بود و از خشونت و سخت گیری و فحش و بدگویی و غیبت و هر گونه سخن و عمل ناروا به شدت پرهیز می کرد و در کلیه ی امور خیر پیشقدم بود . در اکثر جنگ ها در صف مقدم بود و جز از خدا از کسی بیمی به دل راه نمی داد ، و فقط بر خداوند توکل می نمود و شجاع ترین مردمان بود . و با کفر و الحاد به شدت برخورد می کرد و در اجرای احکام الهی کمترین اهمال و سستی روا نمی دید و بسیار جدی و قاطع بود .

۳- **تبلیغ و دعوت مستمر** : تبلیغ مستمر پیام خداوند و عدم اهتمام به خشم مردم ، و آزار و اذیت آنان و توطئه بر علیه او ، و استقامت و پایداری بر راه خداوند و عدم انحراف از آن ، از صفات بارز ایشان بود. زیرا جز با تبلیغ ، رسالت آشکار نمی شود و بدون پایداری ، استقرار نمی یابد و سازشکاری و تسلیم خواسته های مردمان شدن نشانه ی کذب دعوت و رسالت است .

پیامبر (ص) در راه رساندن پیامش به مردمان نهایت سعی و تلاش را نمود و در مقابل همه ی مشکلات صبر پیشه کرد تا بر همه ی مشکلات فائق آمد .

ازدی گوید : پیامبر را در عصر جاهلیت دیدم که می گفت :
« يَا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا . فَمِنْهُمْ مَنْ تَفَلَّ فِي
وَجْهِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَتَّى عَلَيْهِ التُّرَابُ وَ مِنْهُمْ مَنْ سَبَّهُ ... » ای
مردم بگویند : جز الله کسی فرمانروا و قانونگذار و معبود و مستعان
نیست تا رستگار شوید . پس بعضی بر چهره ی مبارکش آب دهان
انداختند و تعدادی بر او خاک پاشیدند و برخی هم او را دشنام
دادند و ...

پیامبر (ص) را دیوانه ، کاهن ، مجنون و جادوگر نامیدند و
مانع ارتباط دیگران با وی شدند ... تطمیعش کردند ، گفتند : اگر
مال می خواهی آنقدر به تو می دهیم که از همه ی ما ثروتمندتر
شوی ، اگر مقام می خواهی ، سید و سرور ما باش ، ما همه تحت
فرمان تو خواهیم بود . اگر زن می خواهی زیباترین دختران را به
عقد تو در می آوریم ... اما هرگز تسلیم خواسته های آنها نشد و
دست از دعوت و تبلیغ برنداشت . همراه با بنی هاشم به شعب
ابی طالب تبعیدش کردند و او را تحت محاصره ی شدید اقتصادی
و اجتماعی قرار دادند و ماهها گرسنگی و سختی و مشکلات را
تحمل نمودند تا عمو و همسر باوفایش در شعب ابی طالب در کمال

سختی جان به جان آفرین تسلیم کردند ، اما هرگز حاضر به سازش نشد .

او را تهدید به مرگ کردند ، چندین بار نقشه ی قتلش را کشیدند ، اما حاضر به تسلیم نشد و همچنان بر عقیده ی خود و تلاش در راه آن اصرار می ورزید ...

۴- عقل برتر : معمولاً مردمان به آسانی حاضر نیستند از کسی که از عقل برتر برخوردار نباشد ، تبعیت کنند . و عدم برخورداری از عقلانیت بالا و برتر ، موجب ناتوانی در رساندن پیام و اقناع دیگران و عدم توانایی بر دفع حملات کوبنده ی مخالفین و منکرین خواهد شد . بنابراین لازم است پیامبر داناترین ، باذکوات ترین و حکیم ترین مردمان باشد .

عقل برتر پیامبر(ص) در موضعگیری های درست و حکیمانه اش با قوم قریش ، و تحمل آزار و اذیت ها ، و در رهبری سیاسی و دینی او در مدینه و فرماندهی نظامی ، و مدیریتش در خانه و اداره آن و در برخورد با همسر و اعضای خانواده و سایر اقشار مردمان ، و در تربیت بی مانند یارانش مشهود است .

در پایان جنگ حنین ، انصار متوجه شدند که پیامبر(ص) بدون توجه به آنها ، همه ی غنایم را میان قریش و ساکنان مکه و حومه آن تقسیم نمود و چیزی به هیچ یک از آنان نداد ، بعضی ناراحت و دلگیر شدند که چرا پیامبر(ص) آنان را این چنین مورد بی مهری قرار می دهد و توجهی به آنها ندارد . عده ای گفتند ؛ پیامبر به میان اقوام و خویشان خود برگشته و ما را فراموش کرده است ... کسی این سخن را به پیامبر(ص) رساند ... پیامبر (ص) بسیار ناراحت شد و انصار را گرد آورد و خطاب به آنها فرمود : ای گروه انصار مگر شما نبودید که بر بت ها سجده می بردید و به برکت اسلام از جهل و بت پرستی نجات یافتید . گفتند : چرا چنین است ای پیامبر خدا (ص). فرمود ؛ مگر شما نبودید که دشمن سرسخت همدیگر بودید و خون همدیگر را می ریختید و اسلام شما را برادر یکدیگر ساخت و کینه و دشمنی را از دلهای شما زدود ؟ گفتند : چرا چنین است ای پیامبر خدا (ص) . فرمود : مگر شما نبودید که گرفتار فقر و بدبختی بودید و اسلام شما را از فقر نجات داد ... چرا کسی از شما چیزی نمی گوید ؟ گفتند : ای پیامبر خدا (ص) ما چه بگوییم ؟

پیامبر (ص) فرمود : بگویید : مگر شما نبودید که قومت تو را

از شهرت بیرون کردند و پناهی نداشتی و ما به تو پناه دادیم؟ مگر شما نبودید که کسی نبود از شما دفاع کند، و ما همچنانکه از زنان و فرزندان خود دفاع می کنیم، از شما دفاع کردیم و در راه آرمانت خون اهدا کردیم. .. سپس فرمود: آیا شما دوست ندارید که مردمان در حالی به خانه برگردند که بز و گاو و گوسفند و شتر با خود می برند و شما پیامبر خدا را به شهر خود می برید؟! (صدای شیون و زاری از میان قوم انصار فضا را طنین انداز نمود...).

بلی پیامبر حکیم و فرزانه، این چنین قلب ها را تداوی می کرد و با بیان شیرینش شستشو می داد. بطوری که همگان رقت قلب خود را احساس می کردند و اشک ها هم آن را تأیید می نمود ...

با مطالعه ی سرگذشت پیامبر (ص) در می یابیم که پیامبر (ص) هرگز لب به دروغ نگشوده و نزد همگان به صادق و امین مشهور بوده است. و خود بیش از همگان به رسالتش ملتزم بوده و با وجود فراوانی دشمنانش، در راه دعوتش کمترین سستی و انحرافی در عزم راسخش ایجاد نشده و قادر به اقامه ی دلیل و برهان و پاسخگویی به مخالفان و دفاع از رسالتش بوده است، و در کمال حکمت کینه ها را از دلها زدوده و نهال محبت خدا و اسلام را در آن نشانده است ...

رهبری بی نظیر امت

پیامبر (ص) در تمام جوانب (در مقام پدر ، همسر ، مؤسس حکومت ، رهبری سیاسی و معنوی ، فرماندهی لشکر ، جهاد با دشمنان ، در مقام عبادت و راز و نیاز با پروردگار و معبود ، در فعالیت های اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و اعتقادی و تربیتی و...) اسوه و الگوی برتر انسانیت می باشد .

- اخلاق برتر : « وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ »^(۱۳) تو دارای اخلاق و خوی پسندیده هستی.

از عایشه (رض) درباره ی اخلاق پیامبر (ص) سؤال شد . فرمود:
« كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ ». اخلاقش قرآن بود .

در مسیر فتح مکه ابوسفیان بن حارث و عبدالله بن ابی امیه که هر دو از اقوام نزدیک پیامبر (ص) و در عین حال از سرسخت ترین دشمنانش بوده ، و برای نابودی دین اسلام و کشتن پیامبر از هیچ تلاشی فرو گذار نکرده بودند ، هنگامی که به سبب عهد شکنی خود و از روی ناچاری به ملاقات پیامبر(ص) آمدند، پیامبر (ص) از آنان روی بگرداند .

^{۱۳} - قلم/۴

علی (رض) به پسر عمش (ابوسفیان) اشاره کرد که به خدمت پیامبر (ص) برو و آنچه برادران یوسف به یوسف گفتند به او بگویند: «... لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ»^(۱۴) خداوند تو را بر ما برگزیده و برتری داده است و بی گمان ما خطاکار بوده ایم.

پیامبر (ص) بدو گفت: «... لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ...»^(۱۵)

امروز هیچگونه سرزنش و توبیخی نسبت به شما در میان نیست... اوج کمال اخلاقی را بنگر که در پاسخ ابوسفیانی که تا نهایت درجه پیامبر را آزار و اذیت رساند و بر علیه او توطئه ها کرد ... چه فرمود: لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ

باری فاطمه (رض) نصف قرص نان جوینی برای پیامبر (ص) آورد. پیامبر (ص) فرمود: این چیست؟ فاطمه گفت: یک قرص نان جوین پختم، نتوانستم بدون تو آن را بخورم. پیامبر (ص) بدو گفت: این اولین طعامی است که پدرت بعد از گذشت سه روز میل

^{۱۶} - رواه احمد و الطبرانی

۱۵- یوسف/۹۲

^{۱۴} - یوسف/۹۱

می کند. ^(۱۶) چنین کسی جز بنده ی مخلص و مقرب خداوند و فرستاده او چه کسی می تواند باشد!

باری پیامبر (ص) با تعدادی از یارانش همسفر بود ، چون خواستند غذایی درست کنند ، کارها را میان خود تقسیم کردند . پیامبر (ص) هم برخاست و شروع به جمع آوری هیزم نمود . یاران خواستند از آن کار مانعش شوند . نپذیرفت و فرمود : از کسی که خود را برتر از دوستانش بداند ، متنفر است .

اگر پیامبر (ص) عمر(رض) را تربیت نمی کرد ، عمر جز مرد دائم الخمر و عربده کش و عیاشی که همچون سایر عیاشان می زیست و می مرد چیز دیگری نمی شد و آوازه ای هم نمی داشت تا خواب از چشمان قیصر و کسری برباید ! و آیا عبدالله بن مسعود آن شتر چران کوتاه قد و سیه چرده که جز آقایش کسی او را نمی شناخت بینانگذار مدرسه فقه می شد ؟ و چون عمر او را به کوفه روانه کرد خطاب به اهل کوفه نوشت : به یقین با فرستادن عبدالله بن مسعود به سویتان، شما را بر خود ترجیح داده ام .

آیا کسی جز پیامبر (ص) بود که ؛ از میان آن قوم جاهل و نادان و فاسد، آن همه عابد، زاهد، مجاهد، سیاستمدار، مدیر و مدبر عادل و دادگر و تربیت نمود که تا ابد جهان نظیرش را نخواهد دید ..

اخبار غیبی از زبان پیامبر (ص)

سحر ، جادو ، شعبده بازی و پیش بینی و... اموری اکتسابی و آموختنی هستند و با تعلیم و تمرین و به کمک اسباب و امکانات مادی ، امکان دسترسی بدانها برای بسیاری از انسانها میسر است . اما معجزه ، خارج از دایره ی آموزش بوده و انجام آن به کمک اسباب و وسایل مادی امکان پذیر نیست . لذا فقط کسی می تواند پیش گویی آگاهانه بنماید و از آینده خبر درست و واقعی بدهد که پیامبر باشد و این کار هم فقط در سایه ی ارتباط با عالم غیب و از طریق معجزه میسر است . از جمله ی اخبار غیبی نبوی :

۱- هجوم ارتش چند ملیتی به سرزمین های اسلامی :
« يَوْشَكَ الْأَمَمُ أَنْ تُدَاعِيَ عَلَيْكُمْ كَمَا تُدَاعِي الْأَكَلَةَ إِلَى قِصْعَتِهَا . فَقَالَ قَائِلٌ وَ مِنْ قِلَّةٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ : بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءٌ كَغُثَاءِ السَّيْلِ وَ لَيَنْزَعَنَّ اللَّهُ مِنْ

صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةِ مِنْكُمْ وَ لَيَقْدِرَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ .
 فَقَالَ قَائِلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْوَهْنُ ؟ قَالَ : حُبُّ الدُّنْيَا وَ
 كَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ .^(۱۷) (پیامبر - صلی الله علیه و سلم - فرمود :) نزدیک است
 که سایر ملل ، بگونه حمله ور شدن حیوان درنده به صیدش به شما
 حمله ور شوند. یکی از آن میان گفت : آیا در اثر کم بودن تعداد ما
 است ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و سلم) ؟ فرمود : خیر بلکه تعداد شما بسیار
 زیاد است ، اما به مانند خار و خاشاک روی سیلاب هستید و
 خداوند ترس و هیبت و شکوه شما را از قلوب دشمنانتان می زداید
 و در قلوب شما وهن قرار می دهد . کسی پرسید : ای پیامبر خدا
 صلی الله علیه و سلم وهن چیست ؟ فرمود : عشق و حب دنیا و ترس از مرگ
 است.

۲- کشف معادن نفت و گاز و مدیریت کفار بر آن :

« تُخْرِجُ مَعَادِنَ مُخْتَلِفَةً ، مَعَدَنٌ مِنْهَا قَرِيبٌ مِنَ الْحِجَازِ يَأْتِيهِ مِنَ
 أَشْرَارِ النَّاسِ »^(۱۸) معادن فراوانی کشف می شوند از جمله آنها ، معادن

^{۱۷} - رواه ابوداود ^{۱۸} - اخرجہ حاکم

مجاور حجاز است که بدترین مردمان (شرکت های خارجی سودجو و خائن) به سویش می آیند .

اولین کسانی که استخراج معادن مجاور حجاز را شروع نمودند بیگانگان و بدترین مردمان بودند ...

۳- کامل شدن جنین در روز چهل و دوم : « إِذَا مَرَّ بِالنُّطْفَةِ ثِنْتَانِ وَ أَرْبَعُونَ لَيْلَةً بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلِكًا فَصَوَّرَهَا ، وَ خَلَقَ سَمْعَهَا وَ بَصَرَهَا وَ جِلْدَهَا وَ لَحْمَهَا وَ عِظَامَهَا ، ثُمَّ قَالَ يَا رَبِّ أذكر أم أنتي ؟ فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ » .^(۱۹) هنگامی که ۴۲ شبانه روز بر نطفه گذشت خداوند فرشته ای مأمور می نماید تا بدان شکل و صورت ببخشد و گوش ، چشم ، پوست ، گوشت و استخوان برایش بیافریند . سپس فرشته می گوید : پروردگارا ! مذکر باشد یا مونث ؟ پس پروردگارت هر آنچه بخواهد تعیین می کند .

پرفسور برسود می گوید : اگر در روز چهل و یکم جنین آدمی را بنگری ، هیچ شباهتی به انسان ندارد ، اما در روز چهل و دوم شکل و قیافه ی یک انسان کامل به خود می گیرد .

^{۱۹} - رواه مسلم

۴- کثرت ربا و مؤسسات ربوی :

« لَيَأْتِينَ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَكَلَ الرَّبَا فَمَنْ لَمْ يَأْكُلْهُ أَصَابَهُ مِنْ غُبَارِهِ ». . زمانی فرا خواهد رسید که کسی را نخواهی یافت ربا خواری نکند و اگر هم از رباخواری بپرهیزد ، غبار ربا به او اصابت خواهد کرد ... (همچنانکه چاره ای جز ارتباط با بیمه و امثال آن و واریز هزینه ثبت نام حج به بانک نداریم و بانک هم بدون توجه به تمایل ما ، با احتساب سود سالانه و افزودن آن به سرمایه واریزی موجب غبار گرفتگی آن می شود و ...) .

۵- نافرمانی زنان و فساد جوانان :

« كَيْفَ بِكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ إِذَا طَعَى نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ ؟ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ ؟ قَالَ نَعَمْ ». . ای مردم ! باید چگونه باشد حال شما ، هنگامی که زنانتان سرکشی و نافرمانی پیشه می کنند و جوانانتان به فساد و فجور می پردازند ؟ پرسیدند : ای پیامبر خدا (ص) چنین چیزی روی می دهد ؟ فرمود : بلی ...

۶- شیوع بیماری های بی سابقه در اثر شیوع انحرافات جنسی : « لَمْ تَظْهَرِ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوا بِهَا إِلَّا فَشِيَ فِيهِمْ »

الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعِ الَّتِي لَمْ تَكُنْ مَصَّتْ فِي آسْلَافِهِمْ « فحشا و بی بند و باری جنسی در میان هیچ قومی شایع نشده است ، مگر اینکه آن قوم دچار وبا شده اند و یا امراضی در میان آنها شیوع پیدا کرده که در میان پیشینیان آنان چنان بیماری سابقه نداشته است. بعد از اعلام آزادی جنسی از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی انواع بیماریهای مقاربتی سوزاک ، سفلیس ، و ... شیوع پیدا کردند و به دنبال آنها بیماری خطرناک ایدز که نسل انسان را تهدید به انقراض می نماید ، از مرز آمریکا و اروپای متمدن گذشت و همچنان در حال پیش روی است .

۷- انحراف از اسلام و تأویل های نا بجا :

« وَيُحَ لِيْهِ الْاٰمَةَ مَا دَا يَلْقٰى فِيْهَا مَن اَطَاعَ اللّٰهَ ؟ كَيْفَ يَكْذِبُوْنَهُ وَ يَضْرِبُوْنَهُ اَنَّهُ اَطَاعَ اللّٰهَ مِنْ اَجْلِ اَنَّهُمْ مَا اَطَاعُوا اللّٰهَ . قَالَ عُمَرُ بِنُ الْخَطَّابِ : يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ اَلنَّاسُ يَوْمِيْذٍ عَلٰى الْاِسْلَامِ ؟ قَالَ : نَعَمْ يَا عُمَرُ . قَالَ عُمَرُ : يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَلنَّاسُ يَوْمِيْذٍ عَلٰى الْاِسْلَامِ ؟ قَالَ : نَعَمْ يَا عُمَرُ . قَالَ عُمَرُ : يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ وَ لِمَ يَبْغَضُوْنَ مَنْ اَمَرَهُمْ بِطَاعَةِ اللّٰهِ ؟ قَالَ : تَرَكَ الْقَوْمَ الطَّرِيْقَ وَ تَزَيَّنَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ بِزِيْتَةِ الْمَرْءَةِ لِزَوْجِهَا وَ تَبَرَّجَ النِّسَاءُ زِيْهِمْ زِي الْمُلُوْكِ الْجَبَابِرَةِ يُسْمِنُوْنَ كَالنِّسَاءِ فَاِذَا تَكَلَّمْ اَوْلِيَاءُ اللّٰهِ وَ اَمَرَهُمْ بِطَاعَةِ اللّٰهِ قِيْلَ لَهُ : اَنْتَ قَرِيْنُ الشَّيْطَانِ

وَأَسُ الضَّلَالَةَ تَكْذِبُ بِالْكِتَابِ تَحْرِمُ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ، تَأْوُلُوا بِكِتَابِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ وَ اسْتَذِلُّوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ»^(۲۰) وای بر این امت ! ، که چگونه با کسی که خداوند را فرمان می برد ، برخورد می نماید ؟ چگونه تکذیبش می کنند و چگونه او را می زنند ، فقط بخاطر آنکه او خداوند را اطاعت می کند و آنها خداوند را فرمان نمی برند . عمر بن خطاب گوید : ای پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم آیا مردم در آن روز بر دین اسلام هستند ؟ (پیامبر - صلی الله علیه و سلم -) می فرماید : بلی ، ای عمر . عمر (با تعجب و شگفتی بیشتر مجدداً) پرسید : ای پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم آیا این مردمان مسلمانند ؟ (پیامبر - صلی الله علیه و سلم -) فرمود : بلی ای عمر ، سپس پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود : مردمان صراط مستقیم و راه درست را رها می کنند و مرد آرایش زنانه می کند آنچنانکه زنان خود را برای همسرانشان می آریند و به رسم زنان جاهلیت خودآرایی می کنند و لباس هایی همچون لباس شاهان ستمگر می پوشند و (با خوردن داروهایی خاص) همچون زنان (در ناحیه باسن و ...) چاق می شوند (و با تزریق هورمون جنسی مونث ، در شکل ظاهری خویشان را به شکل زنان در می آورند.....) . هنگامی که

^{۲۰} - اخرجه ابن وضاح

دوستان خداوند زبان بگشایند و آنان را به پیروی از دستورات خداوند متعال فرا خوانند . خطاب به او گویند ؛ تو همدم شیطان و منشاء گمراهی هستی و کتاب خدا (قرآن) را تکذیب می کنی و آنچه را که خداوند برای بندگانش زینت قرار داده و همچنین روزی های پاکیزه را حرام می کنی . آنان کتاب خداوند را تأویل نادرست می نمایند و دوستان خدا را خوار و ذلیل می گردانند .

۸- رها کردن حقایق اسلام و اکتفا کردن به نماز و روزه :

« لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئاً وَ يَصُومُونَ رَمَضَانَ وَ يَصَلُّونَ الْخَمْسَ وَ قَدْ سَلَبُوا دِينَهُمْ لِأَنَّهُمْ رَأَوْا الْحَقَّ فَتَرَكَوهُ »^(۲۱) بر مردمان روزگاری می گذرد که به خداوند ایمان دارند و نسبت به او هم شرک نمی ورزند و روزه ماه رمضان را بجا می آورند و نمازهای پنجگانه را هم ادا می کنند ، در حالی دین اسلام از آنها سلب گردیده است ، زیرا آنان حق را می بینند ، اما به سادگی (آن را نادیده گرفته و) از کنارش می گذرند .

۲۲- اخرجه دیلمی

۲۱- رواه ابن وضاح

۹- قلت مؤمنین واقعی و فراوانی اشرار :

« سَيُظْهِرُ شِرَارُ أُمَّتِي عَلَى خِيَارِهِمْ حَتَّى يَسْتَخْفِي فِيهِمُ الْمُؤْمِنُ كَمَا يَسْتَخْفِي فِيكُمْ الْمُنَافِقُ »^(۲۲) بدان بر نیکان پیشی گرفته و بر آنان چیره می شوند تا جائیکه مؤمن پنهان می ماند آنچنانکه امروز منافق در میان شما خود را پنهان می کند .

« إِنَّ النَّاسَ دَخَلُوا فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا وَ سَيَخْرُجُونَ مِنْهُ أَفْوَاجًا »^(۲۳) مردمان گروه گروه به اسلام وارد شدند و دسته دسته از آن خارج می شوند .

۱۰- تشابه زنان و مردان : « مِنْ إِفْتِرَابِ السَّاعَةِ تَشَبَّهُ الرَّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ »^(۲۴) از نشانه های نزدیکی قیامت آن است که مردان خویشان را به شکل زنان در می آورند و زنان به شکل مردان .

^{۲۳} - رواه احمد

^{۲۴} - اخرجه ابونعیم

متأسفانه مردان علاوه بر لباس و استعمال جواهرات و طلاجات ، تا بدان حد در تشبه به زنان افراط کرده اند که این روزها بچه هم به دنیا می آورند .

راستی شخص اُمّی و درس نخوانده ای چون محمّد در آن جامعه ی جاهلیت زده و بدور از علم و فرهنگ و تمدن چگونه به این همه امور نا آموختنی و غیبی دسترسی پیدا نمود و آن را برای ما بیان نمود تا در وقت فتنه ها و ظلمات ، حقایق را ببینیم و فراموش نکنیم ... !؟

« وَیرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ »^(۲۵) کسانی که فرزانه و آگاهند چیزی را که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است ، حق می بینند ، و راهنمای راه خدای چیره و ستوده می دانند.

انذار و تبشیر : « إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ السَّكْرَتَانِ : سَكْرَةُ الْجَهْلِ وَ سَكْرَةُ حُبِّ الْعَيْشِ وَ جَاهِدُوا فِي غَيْرِ سَبِيلِ اللَّهِ ، فَأَلْقَائُمُونَ يَوْمَئِذٍ بِكِتَابٍ

۲۵ - سیأ/۶ - ۲۶ - اخرجہ نعیم بن حماد

اللَّهِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً كَسَابِقِينَ الْأَوَّلِينَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ « (٢٤)

هنگامی که دو مستی بر شما سایه گستراند : مستی جهل و مستی حب دنیا و زندگی و همچنین جهاد و تلاش در راه غیر رضای خدا . (بدانید که) در آن روز عمل کنندگان به کتاب خدا در آشکار و پنهان ، همچون پیشتازان صدر اسلام و در زمره ی مهاجران و انصار خواهند بود .

روش شناخت پیامبران راستین

پیامبران راستین را می توان با ویژگی های زیر از مدعیان دروغین باز شناخت :

- ۱- برخورداری از معجزه و انجام امور خارق العاده ای که خارج از دایره ی استعداد و قدرت و توان بشری است ، همچون ؛ ید بیضا و عصای موسی (ع) و ید شفا بخش عیسی و قرآن محمد صلی الله علیه و سلم
- ۲- ارتباط با پروردگار از طریق وحی .

وحی و معجزه

- وحی چیست ؟
- قرآن از زبان چه کسی شنیده شده است ؟
- اعجاز قرآن
- در زمینه ی ارائه ی جهان بینی کامل
- در زمینه ی ایدئولوژی و تشریح و احکام فراگیر
- در زمینه ی علوم تجربی
- در زمینه ی علوم هنری
- در زمینه ی بیان اخبار غیبی
- در زمینه ی محاسبات عددی و دقیق ریاضی
- آیا قرآن جوابگوی نیازهای انسان در تمامی ادوار می باشد ؟
- ثوابت و متغیرات در اسلام
- اثر ایمان به وحی

وحی چیست ؟

وحی از نظر لغوی به معنی اشاره کردن ، سخن پنهانی به کسی گفتن ، خبر سریع و پنهان ، و چیزی در دل کسی افکندن ، می باشد . و از نظر شرعی ؛ هر آنچه که از طرف خداوند بر پیامبران نازل می شود ، وحی گفته می شود .

وحی معجزه است ، یعنی طوری است که امکان ندارد از انسان یا هر مخلوق دیگری سرچشمه گرفته باشد و دیگران از آوردن چنین چیزی عاجز و ناتوانند .

اهمیت قرآن در آن است که وحی است ، یعنی معجزه می باشد و دیگران از آوردن چنین کتابی عاجز و ناتوانند .

انواع وحی

- ۱- ابلاغ پیام از طرف خداوند متعال به پیامبر به وسیله ی فرشته وحی جبرئیل (که قرآن از این نوع وحی است) .
- ۲- سخن گفتن خداوند با بنده اش از وراء و پشت پرده و حجاب ، همچون کلام خداوند متعال با حضرت موسی (ع) در کوه طور از ورای درخت .

۳- رؤیا و خواب راستین ، همچون خواب حضرت ابراهیم (ع) بر ذبح فرزندش اسماعیل .

۴- القای معنی و مفهوم در قلب ، همچنانکه حضرت محمد صلی الله علیه و سلم در این باره می فرماید : « **إِنَّ رُوحَ الْقُدُسِ نَفَثَ فِي رُوعِي أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَوْفِيَ رِزْقَهَا وَاجْلَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ** » همانا روح القدس (جبرئیل) در دل من افکنده است که هیچ انسانی نمی میرد مگر اینکه رزق و روزی و اجلش به آخر رسد ، پس از خداوند بترسید و تقوا پیشه کرده و در طلب روزی شتاب نکنید (و از راه های کسب روزی حرام دوری کنید و اگر شتاب نکنید، به طریق حلال روزی مقدر به شما خواهد رسید)

قرآن از زبان چه کسی شنیده شده است ؟

قرآن از زبان کسی شنیده شده است که قبل از تولد پدر را از دست داده و در دوران کودکی مادرش فوت کرده است ، در واقع دو رکن اساسی تربیت (پدر و مادر) را از دست داده و از پرورش در دامن پدر و مادر و زیر نظر آن دو محروم شده است و با فوت آنها بطور کلی خانواده اش متلاشی شد و از محیط گرم خانواده هم

محروم گردید. (که محرومیت از کانون گرم خانواده هم قاعدتاً تأثیر بسیاری بر عدم شکوفایی استعداد های کودکان دارد بطوری که از هر نظر نسبت به سایر هم سن و سالان خود از حد متوسط هم پایین تر است) در حدود هشت سالگی با فوت پدر بزرگش به منزل عمویش منتقل می شود و در اثر فقر عمویش مجبور به چوپانی می شود و هر روز صبح زود از شهر خارج و تا گذشت پاسی از شب در کوه می ماند و کمترین ارتباطی با کسی ندارد . ایام عمرش ، بدین منوال تا ۲۵ سالگی می گذرند و تا این سن از عمرش فقط دو سفر کوتاه همراه با کارون تجارتي به شام داشته است که در این مسافرتها ، بزرگترها هم چیزی کسب نمی کنند تا او در سن ۱۲ و ۲۵ سالگی دانشی بیاموزد . لذا همچنان بیسواد و امی باقی ماند . چنین فردی می بایست در سخن گفتن عادی و روابط اجتماعی با مردم هم دچار مشکل و حتی ناتوان باشد .

در محیط زندگی او خبری از مکتب و مدرسه و تحصیل نبود تا او در زمینه ی تعلیم و تربیت چیزی فرا گیرد . بر همین اساس هرگز مخالفین پیامبر به تحصیلات او استدلال نکرده اند ، چون به خوبی می دانستند که تحصیلاتی نداشته است ، و قرآن را هم جزو اثرات علمی او قلمداد نکرده اند .

جامعه ای که پیامبر صلی الله علیه و سلم در آن زندگی می کرد ، شدت جاهلیت آن بر همگان مشهود است. سرزمین حجاز در اثر بی ارزش بودن آن ، ایران و روم هیچ یک تمایلی به تسخیر آن نداشتند در حالی که شمال جزو قلمرو روم و جنوب مستعمره ی ایران بود . چنین سرزمین بدون ارتباط با جهان آن روز از هرگونه فرهنگ و دانش و تکنیکِ وارداتی محروم بود و احتمال پرورش فردی در سطح عالی در آن شرایط و در آن سرزمین محال بود .

علوم متداول در این محیط عبارت بود از چهار علم ؛ تعبیر خواب ، ستاره شناسی ، فن سخنوری در شعر و نثر ، و علم نسب شناسی . معلوم است از کسی که در چنین جامعه ای پرورش یابد ، علم و پرورشی بیش از حد متوسط انتظار نمی رود و شرایط و ظروف موجود دال بر آن هستند که او قادر به آوردن چنین کتابی نیست ، بلکه حتی اگر در بالاترین سطح هم پرورش می یافت باز از آوردن چنین کتابی عاجز بود و هر کس دیگری هم از چنین کاری عاجز خواهد بود .

در این سرزمین و با چنین شرایطی ، مردی چهل ساله که تا دیروز هیچگونه نبوغی از خود بروز نداده است و همچون سایر

مردمان جامعه اش زندگی می کرده است ، تنها نقطه تمایز او عدم سجده اش بر بت بوده است ، قدم به پیش می نهد و علاوه بر شخصیت معمولی ، شخصیت دیگری از خود بروز می دهد و به دو گونه سخن می گوید ؛ یکی از زمین ، و دیگری از آسمان ، و در عین حال در اوج فصاحت و بلاغت .

اعجاز قرآن

قرآن در شش زمینه معجزه است :

- ۱- در زمینه ی ارائه ی جهان بینی کامل و فراگیر .
- ۲- در زمینه ی ایدئولوژی و تشریح و احکام فراگیر .
- ۳- در زمینه ی علوم تجربی .
- ۴- در زمینه ی علوم هنری .
- ۵- در زمینه ی بیان اخبار غیبی .
- ۶- در زمینه ی محاسبات عددی و دقیق ریاضی .

اعجاز قرآن در زمینه ی جهان بینی

هر فرد و پیروان هر مکتب و مسلکی نسبت به جهان دیدگاه و نظر خاصی دارند که این نحوه ی نگرش به جهان را جهان بینی گویند . معمولاً در جهان بینی به سئوالات زیر پاسخ داده می شود :

۱- منشأ هستی و آفرینش جهان و انسان چیست ؟

۲- حیات از کجا سرچشمه می گیرد ؟

۳- هدف از آفرینش جهان چیست ؟

۴- هدف از آفرینش انسان چیست ؟

۵- چرا بعد از مدتی می میریم ؟

۶- فلسفه و حکمت مرگ و حیات چیست ؟

بطور کلی در جهان بینی به هست ها و نیست ها پاسخ داده

می شود .

درباره ی سئوال اول ، انسان با الهام از فطرت سالم و مطالعه

آیات موجود در جهان طبیعت و نفس آدمی ، می تواند به وجود

آفریدگار هستی پی ببرد ، اما با توجه به اینکه سایر سئوالات و

امثال آنها در دایره ی عقل و حس و تجربه قرار نمی گیرند ، انسان

قادر به یافتن پاسخ درست آنها نخواهد بود و اگر پاسخی هم به این

گونه سئوالات داده باشد ، پاسخش از پشتوانهٔ علم و عقل برخوردار نبوده ، بلکه فقط به تبعیت از اهواء نفسانی و حدس و گمان بوده است . از آنجائیکه تا کنون هیچ فرد و مکتبی نتوانسته است به این سئوالات ، پاسخ جامع و قانع کننده بدهد ، بنابراین انسان از ارائه جهان بینی کامل و جامع عاجز و ناتوان است ، و ارائه ی جهان بینی کامل جزو معجزات است .

قرآن که وحی پروردگار است با پاسخگویی جامع به این سئوالات و امثال آن ، کامل ترین جهان بینی را ارائه داده است .^(۲۷)

اعجاز قرآن در زمینه ی ایدئولوژی

قرآن در برگیرنده ی احکام و قوانین فراگیری است که **حفظ جان ، مال ، عقل ، نسل و عقیده ی انسان** را ضمانت نموده و برای هریک از این امور جامع ترین و دقیق ترین احکام و قوانین را ارائه کرده است . و هر آنچه را که با عقل سلیم تطابق دارد و برای انسانیت وی مفید است ؛ مباح گردانده و خبائث و ناپاکی ها را

^{۲۷} - به منظور آگاهی از پاسخ سئوالات مذکور به کتابهای ” آفریدگار جهان و راز آفرینش انسان “ و ” عالم پس از مرگ “ از همین قلم مراجعه شود.

مذمت کرده و انسانها را از آنها بر حذر داشته است و روش صحیح ارضای نیازهایش را بیان داشته و موجبات رشد و ترقی انسان را فراهم کرده است .

انسان در هر سطحی از علم و دانش و پیشرفت که باشد به علت ضعف های خاص انسانی همچون ؛

- عدم علم محیط نسبت به جهان
- عدم علم محیط نسبت به انسان
- عدم علم محیط نسبت به آفریدگار جهان
- عدم علم محیط نسبت به رابطه ی انسان و آفریدگار
- عدم علم محیط نسبت به رابطه ی انسان و جهان
- عدم علم محیط نسبت به نیازهای مادی انسان
- عدم علم محیط نسبت به نیازهای معنوی انسان
- محدود بودن در دایره ی زمان و مکان
- مقهور غرایز شهوانی و نفسانی خود بودن .

از ارائه ی ایدئولوژی جامع ، عاجز و ناتوان است . بنا براین و با توجه به موارد فوق ، آدمی برای تدوین احکام و قوانین زندگی فقط دو راه پیش روی دارد :

۱- هر آنچه خود می پسندد و به نظر خود خوب می داند انجام دهد و هر آنچه که بد می داند از آن دوری نماید .

اگر انسان بخواهد بر این مبنا عمل نماید ، موجبات هرج و مرج و بی نظمی و فساد و سرانجام انقراض و انهدام جامعه را فراهم خواهد ساخت ، چون در آن حال دزد عمل خود را خوب و پسندیده می داند ، و قاتل ، آدم کشی را ، و ظالم ، ستمگری و خائن ، خیانت را ، و جاهل ، جهل را ، و ... و هرکس فقط منافع خویشتن را بدون توجه به زیان و ضرر دیگران مد نظر دارد و کسب منافع و رسیدن به خواسته ها ، اگر به قیمت نابودی همه ی افراد جامعه هم باشد مطلوب و بجا خواهد بود ، چون عمل درست و بجا رسیدن به خواسته ها و کسب منافع است .

اگر چنانچه گفته شود به منظور جلوگیری از هرج و مرج و بی نظمی و فساد جامعه ، بهترین راه پذیرش رأی اکثریت به عنوان قانون و ملاک عمل است ...

سئوالی که پیش می آید این است که ؛ معیار و ملاک

اکثریت برای تدوین و تعیین خوب و بد چیست ؟

۱- حواس پنجگانه : حواس پنجگانه ابزار جسم هستند و حیوانات و عقب ماندگان ذهنی هم این ابزار را در اختیار دارد ، اما

هرگز نمی تواند با این ابزار برای زندگی خود قانون تدوین نماید بلکه فقط این ابزار را در راه مصالح جسم و بقای زندگی خود بکار می گیرند . انسان سالم هم به همین گونه فقط در راستای نیازهای جسمانی ، اما در دایره ای وسیع تر ، از این ابزار بهره می گیرد نه در زمینه ی تعیین خوب و بد و تدوین قوانین زندگی .

۲- نیروی تعقل : نیروی تعقل ابزار شناخت هست ها و نیست ها و کشف قوانین حاکم بر آنها و جهان ماده و عالم ماوراء ماده ، که در دایره ی استدلال عقلانی قرار می گیرند ، می باشد . اما خوب و بد قراردادهایی هستند که قبلاً نبوده و وجودی مستقل از قرارداد و تصمیم ما ندارند و بعد از بوجود آمدن ما بوجود آمده اند و از جنس هست ها و نیست ها نیستند تا به کمک تعقل و تفکر کشف شوند ، بنابراین در دایره ی تعقل قرار نمی گیرند و طریق استدلال در آنها بسته است .

۳- تجربه و حذف : منظور از تجربه و حذف ویا ادامه ، این است که ؛ هر عملی را که خوب و پسندیده می دانیم ، انجام می دهیم اگر تجربه نشان داد که ضرر دارد آن را حذف و ترک می کنیم و اگر هم خوب بود ادامه می دهیم .

اشکال عمده ی تجربه و حذف :

الف: اگر برای یک حادثه ده نوع موضعگیری پیشنهاد شود چگونه می توان بدون هیچ دلیلی از میان ده راه حل پیشنهادی فقط یکی را پذیرفته و نه تای دیگر را رد کرد ؟

ب: با توجه به محدودیت عمر انسان که قبل از تجربه ی همه ی احکام و قرار دادها ، عمرش به آخر می رسد ، لذا در عمر کوتاهش به نتایجی دست نمی یابد .

ج : انسان بعد از تجربه ی برخی از امور ، به سبب اعتیاد ، قادر به حذف و ترک آنها نخواهد بود . مثلاً ؛ آدمی ابتدا با تجربه ی مشروبات الکلی و مواد مخدر به فواید قلیل آنها پی می برد و مصرف آنها را ادامه می دهد ، اما به مرور زمان اثرات ناگوار آنها را بر جسم و روان ، اقتصاد و سیاست ، خانواده و اجتماع احساس می نماید . لذا تصمیم به حذف آنها می گیرد ، ولیکن قادر به حذف آنها نمی شود ، زیرا دیگر به آنها معتاد شده است . همچنانکه مجلس شورای ملی و مجلس سنای ایالات متحده ی آمریکا در سال ۱۹۲۰ میلادی قانون خرید و فروش ، تولید ، نگهداری ، صادر و وارد کردن و تقاضای مشروبات الکلی را ممنوع کرد و قبل از آن و تا سال ۱۹۲۵ مبلغ ۶۵ میلیون دلار (آن زمان) صرف تبلیغات و

حدود ۹ میلیون صفحه درباره ی مفاسد شراب و شرابخواری سیاه شد و همه ی پزشکان و روانشناسان و جامعه شناسان در تائید این سیاست مقالات ارائه دادند و سخنرانی و مصاحبه ها کردند ... تا سال ۱۹۳۳ قریب ۲۰۰ نفر در راه تنفیذ قانون تحریم شراب اعدام و ۵۰۰۰۰۰ نفر زندانی ، و حدود ۴۰۰ میلیون لیره اموال مصادره شد و یک میلیون و پانصد هزار لیره جریمه پرداخت گردید ، با این وجود در حالی که تعداد کارخانه های شراب سازی دارای امتیاز قبل از قانون تحریم ۴۰۰ عدد بود ، در مدت ۷ سال بعد از تحریم ۸۰۰۰۰ بنگاه شراب سازی سرّی دائر گشت . همچنین مقدار مصرف و میزان جرائم در اثر مستی و شرابخواری چندین برابر سالهای قبل از تحریم شد ... سرانجام در حالی که همگان از مفاسد و مضرات شرابخواری آگاه بودند و دولت قدرتمند آمریکا مدت ۱۴ سال با شرابخواری مبارزه کرده بود و ... به علت عدم توانایی بر ترک و حذف این تجربه ، به ناچار در سال ۱۹۳۳ قانون مذکور لغو شد .

موضعگیری بر مبنای تجربه و حذف سرانجامی جز این نخواهد داشت و در واقع سرانجام همه ی موضعگیریهای انسان به اینجا

ختم خواهد شد که روزی خواهید فهمید این تجارب بسیار زیانبار بوده اند ، اما خیلی دیر شده و دیگر قادر به حذف آنها نیست . . .

۲- آخرین مرجع برای تعیین خوب و بد ، مراجعه به شخص مافوق است .

همچنانکه می دانیم در اکثر موارد و در تمامی جهان افرادی به عنوان قانونگذار تعیین می شوند که معمولاً یا از طبقه ی سرمایه داران می باشند که با قدرت پول و تبلیغات وسیع و گسترده ، خویشان را به بهترین شیوه می آرایند و به سادگی دیگران را بسوی خود جلب می نمایند و یا از میان سیاستمداران مکار و حيله گر انتخاب می شوند که با وعده های دروغین و سخنان پر طمطراق مردمان را می فریبند . راستی از چنین مکارانی ، جز فریبکاری انتظاری می رود . حال اگر همه چیز را هم نادیده بگیریم و این افراد هم از میان نوابغ انتخاب شوند ، مگر آنها علم محیط به جهان ، انسان ، رابطه ی انسان و جهان و خدا ، نیازهای متنوع انسان ، روش ارضای درست و غیر زیانبار آنها دارند ، با محصور بودن آنها در دایره ی زمان و مکان چکار کنیم که برای آینده قانون تدوین می کنند !

کسی که دارای علم محیط به همه چیز و همگان است ، فقط خداوند خالق و آمر و مالک جهان است ، لذا بایستی برای تعیین خوب و بد و مفید و مضر فقط به خداوند علیم و حکیم مراجعه کرد ، و مرجعی غیراز او ، جز نفس اماره و سرکش و فسادجو وجود ندارد.

در ایدئولوژی اسلامی وظیفه ی فرد نسبت به نفس و نیازهای مادی و معنوی خود ، نسبت به خداوند ، والدین ، خواهر ، برادر ، همسر ، همسایه ها، اقوام و خویشان ، دوستان ، دشمنان ، حکومت ، سایر اقشار جامعه و جهانی که در آن زندگی می کند ، در هر شرایط زمانی و مکانی با حکیمانه ترین شیوه بیان گردیده است .

خداوند جهان را در کمال نظم و دقت آفریده است و اگر یکی از آفریده ها از قوانین خداوند سرپیچی نماید نظام جهان هستی دچار فساد خواهد گردید . مثلاً اگر خورشید از انجام وظیفه ی تعیین شده سر باز زند ، جهان از نور و روشنایی و اشعه های مفید در عمل فتو سنتز و غذا سازی گیاهان محروم خواهد شد و علاوه بر اینکه کره ی زمین از مدار خود خارج و سقوط خواهد کرد به

صورت کره ای منجمد در خواهد آمد . حال اگر انسان از قوانینی که خداوند متعال برایش مقرر داشته است سرپیچی نماید ، قضیه به همین سادگی تمام نخواهد شد، بلکه جسم و روح و روان خود را به فساد خواهد کشید و در نظم مقرر اختلال ایجاد خواهد کرد ، همچنانکه شاهد هستیم که آدمی : جهان ، برّ و بحر و فضا و فطرت حیوان و انسان را به فساد کشانده است ، به یقین در دنیا و آخرت مستوجب مؤاخذة و عذاب سخت خواهد بود...

« ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ

لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ » ^(۲۸) فساد و

خرابی در دریا و خشکی به خاطر کارهایی پدیدار گشته است که مردمان انجام می داده اند . بدین وسیله خدا سزای برخی از کارهایی را که انسانها انجام می دهند بدیشان می چشاند تا اینکه آنان بیدار شوند و بر گردند (و از ارتکاب معاصی دست بردارند) .

اعجاز قرآن در زمینه ی علوم تجربی

قرآن کتاب علوم تجربی نیست بلکه کتاب پرورش و هدایت است و بیان هر مطلبی در قرآن به منظور تحقق بخشیدن به امر پرورش و تزکیه ی انسان است . بیان پاره ای از علوم تجربی هم در قرآن که انسان در عصر حاضر به درک و شناخت اندکی از آنها نائل شده و بسیاری همچنان در پرده ی ابهام باقی مانده اند ، به منظور تحقق بخشیدن به امر پرورش و تزکیه ی انسان و بیان اعجاز قرآن می باشد ، و منظور از آن ، بیان مسایل علمی و آشنا ساختن انسان با آن علوم نیست ، زیرا خداوند بطور کلی استعداد کشف حقایق علمی و صفت بدیع و نوآوری را به انسانها ارزانی داشته است ، و هر ملّتی که در راستای شکوفایی این استعداد بالقوه ی خدادادی اقدام نماید به رشد و ترقی مادی دست خواهد یافت و این استعداد همچنانکه تحقیقات روانشناسان به اثبات رسانده اند در میان تمام اقوام و ملل بطور مساوی موجود می باشد ، فقط برای شکوفایی آن، فراهم کردن زمینه ی رشد لازم است .

قرآن بیش از ۱۴۰۰ سال قبل به تعدادی از حقایق علمی و تجربی اشاره نموده است که نشان دهنده ی حقانیت این کتاب و

معجزه بودن آن است ، چون کسی ابزار شناخت این حقایق را در اختیار نداشت . از جمله ی آن حقایق علمی :

۱- کرویت زمین :فضا نوردانی که به کره ی ماه و فضا سفر کرده اند، عکس هایی از زمین گرفته اند ، زمین را کروی نشان می دهند ، همچنین در هنگام خسوف (گرفتگی ماه) که زمین در بین خورشید و ماه قرار می گیرد و مانع تابش نور خورشید بر ماه می گردد سایه ی زمین بر سطح ماه می افتد و از روی سایه ی زمین ، کرویت آن به خوبی قابل مشاهده است .

قرآن در این باره فرموده است : « وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٢٩﴾ و بعد از آن (خداوند متعال) زمین را به شکل بیضی در آورد. « يُكْوِرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ... » ﴿٣٠﴾ خداوند شب را به گرداگردِ روز و روز را بر گرداگردِ شب می پیچد . « فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ ... » ﴿٣١﴾

سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها ...

در آیات مورد اشاره واژه ها و عبارات ” دَحَى “ (بیضی شکل) و ” یُكْوِر “ (پیچاندن به گرداگرد) و ” مشارق و مغارب “ (مشرقها و مغربها) کروی بودن زمین را گوشزد می کنند ، چون بیضی همان شکل کروی مانند زمین و پیچاندن به گرداگرد چیزی برای اشکال مدور بکار برده می شود و مشرقها و مغربها اشاره به اختلاف مطلع خورشید به علت کروی بودن زمین می باشد ...

۲- حرکت و گردش زمین : امروزه حرکت وضعی (گردش زمین به دور خود در هر شبانه روز) و حرکت انتقالی (گردش زمین به دور خورشید در هر سال) بر همگان آشکار است . قرآن در این باره می فرماید: « وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرًّا

السَّحَابِ ... »^(۳۲) کوهها را می بینی و آنها را ساکن و بی حرکت می پنداری، در حالی که کوهها مانند ابرها در سیر و حرکت هستند.

« قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ

الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ،
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَلِيلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ « (۳۳)

بگو : (ای مردم) به من بگوئید اگر خداوند شب را تا روز قیامت
 همیشه ماندگار کند بجز خدا چه کسی است بتواند (زمین را به
 حرکت واداشته) برای شما روشنایی بیاورد آیا نمی شنوید . بگو مرا
 خبر دهید اگر خداوند روز را تا روز قیامت جاودانه و دائمی کند بجز
 خدا کیست که بتواند برای شما شبی را بیاورد تا در آن بیارامید ...

۳- گردش خورشید و ماه : خورشید دارای سه نوع حرکت ؛ وضعی
 (به دور خود با سرعت ۳۶۰۰ کیلومتر در ساعت) و انتقالی
 (حرکت به همراه منظومه ی شمسی با سرعت ۱۹/۵ کیلومتر در
 ثانیه) و حرکت به دور مرکز کهکشان است .

« وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا... » (۳۴) و خورشید به سوی

قرارگاه خود در حرکت است ، این محاسبه و اندازه گیری و تعیین خدای بس چیره و توانا و دانا است.

« وَالْقَمَرَ قَدَرْنَهُ مَنَازِلَ ... »^(۳۵) برای ماه نیز منزلگاههایی تعیین کرده ایم .

« لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ »^(۳۶) نه خورشید را سزد به ماه رسد و نه شب را سزد که بر روز پیشی گیرد و هر یک در مداری شناورند (و مسیر خود را بدون کمترین تغییر ادامه می دهند).

۴- ستونهای نامرئی : معلق بودن ماه و خورشید و سایر کرات آسمانی در فضا ، بدون هیچگونه جایگاه ثابت و ستون قابل رؤیتی ، از مسائل مهمی بود که مدتها فکر و اندیشه ی اندیشمندان را به خود مشغول کرده بود تا اینکه با کشف قانون جاذبه ی عمومی دریافتند که زمین و ماه و خورشید بر همدیگر نیروهایی وارد

^{۳۵} - یس/ ۳۹ ^{۳۶} - یس/ ۴۰

می کنند و همین نیروهای کشنده مانع سقوط و خروج آنها از مدار خود گردیده است .

« خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ^ط ... » (۳۷) خداوند آسمانها را بدون ستونی که (برای شما) قابل رؤیت باشد آفریده است .

۵- جو زمین یا گازهای نگهبان : جو زمین همچون زرهی پولادین زمین را از شرِ مرگبار میلیونها سنگ آسمانی که با سرعتی معادل ۵۰ کیلومتر در ثانیه زمین را هدف قرار داده اند محفوظ می دارد. سنگها به مجرد برخورد به جو زمین مشتعل شده و قبل از برخورد به زمین از بین می روند و به بخار و خاکستر تبدیل می شوند .

« وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ^ط وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ » (۳۸) و ما آسمان را سقف محفوظی نقرار دادیم ولی آنان از نشانه های آن روی گردانند ...

۶- خروج از نیروی جاذبه ی زمین : از جمله مسایل و آرزوهای بزرگی که در طول تاریخ و مخصوصاً در قرن بیستم ذهن و

۳۸ - انبیاء/۳۲

۳۷ - لقمان/۱۰

اندیشه‌ی اندیشمندان را به شدت به خود مشغول کرده بود خروج از زمین و صعود و فرود در دیگر کرات آسمانی بود که برای اولین بار انسان در سال ۱۹۶۱ به این آرزوی دیرینه‌ی خود رسید.

« يَمَعَشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ »^(۳۹)

«^(۳۹) ای گروه جن‌ها و انسانها اگر می‌توانید از نواحی آسمانها و زمین بگذرید، بگذرید. ولیکن نمی‌توانید بگذرید مگر با قدرت.

۷- کاهش اکسیژن در ارتفاعات: قبل از اختراع هواپیما و بالگرد کسی نمی‌دانست که تا ارتفاع ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ کیلومتری هوا وجود دارد و بعد از آن هوایی جهت تنفس موجود نیست و هرچه به طرف آسمان بالا رویم از حجم اکسیژن هوا کاسته می‌شود و عمل تنفسی به سختی انجام می‌گیرد.

« فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ، يَشْرَحْ صَدْرَهُ، لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ

أَنْ يُضِلَّهُ، تَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي

^{۳۹}- الرحمن/۳۳

السَّمَاءِ...»^(۴۰) آن کس را که خدا بخواند هدایت کند سینه اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده می سازد و آن که را خدا بخواند گمراه و سرگشته کند سینه اش را به گونه ای تنگ می سازد که گویی به سوی آسمان صعود می کند .

۷- زوجیت در گیاهان : انسان در اواسط قرن هیجدهم میلادی به این حقیقت علمی پی برد که در عالم گیاهان هم ، جنس نر و ماده وجود دارد و تولید میوه و محصولات کشاورزی و بقای حیات نباتی در گرو وجود و ترکیب دو بخش نر و ماده ی گیاه می باشد

« أَوْلَمَ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ »^(۴۱)
 آیا آنان به زمین نمی نگرند و نمی بینند که چقدر انواع و اقسام گیاهان و درختان نر و ماده ی زیبا و سودمند را در آن رویانده ایم بی گمان در این کار نشانه ی بزرگی است ولی اکثر مردمان ایمان نمی آورند.

«... وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلْنَا فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ...»^ط^ط ۴۲ و از هر

۴۲- رعد/۳

۴۱- شعراء/۷

۴۰- انعام/۱۲۵

گونه ثمره و میوه ای جفت نر و ماده ای در آن آفریده است .

۸- زوجیت عمومی در تمام اشیاء : یکی از مسائلی که تازگی دانشمندان بوجود آن پی برده اند قانون زوجیت عمومی (نر و ماده بودن تمام اشیاء) می باشد . دانشمندان می گویند ؛ مواد سراسر جهان از اتم تشکیل شده است و هر اتم دارای دو جزء الکترون با بار الکتریکی منفی و پروتون با بار مثبت دال بر وجود زوجیت اشیاء می باشد ...

« سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ

أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ »^{۴۳} تسبیح و تقدیس خداوندی را سزا

است که همه ی نر و ماده ها را آفریده است ، اعم از آنچه از زمین می روید و از نفس خود آنان ، و از چیزهایی که ایشان نمی دانند ...

« وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ »^{۴۴} ما از هر

چیزی جفتی را آفریده ایم تا اینکه شما (عظمت آفریدگار را) یاد کنید .

۴۴- ذاریات/۴۹

۴۳- یس/۳۶

۹- بارور کردن ابر : در ابر نیروی الکتریسته وجود دارد و بر این اساس ابرها دو نوعند : ۱- ابر با بار الکتریسته مثبت ۲- ابر با بار الکتریسته منفی . بارش فقط در صورتی امکان پذیر است که توسط باد این دو نوع ابر (مثبت و منفی) باهم ترکیب شوند ، چون هیچیک از دو نوع ابر به تنهایی به بارش تبدیل نخواهد شد .

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ ...»^{۴۵} و بادها را برای تلقیح (ابرها و بارور ساختن آنها) به وزیدن می اندازیم و به دنبال آن از (ابرهای به هم پیوسته و تلقیح شده) آسمان آب می بارانیم و شما را بدان سیراب می گردانیم .

«اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدَّاقَ تَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ...»^{۴۶} خدا کسی است که بادها را وزان می سازد و بادها ابرها را بر می انگیزند ، سپس خدا آن گونه که بخواهد ابرها را در آسمان می گستراند و آنها را به صورت توده هایی بالای یکدیگر انباشته و

۴۶- ۴۸/روم

۴۵- ۲۲/حجر

متراکم می دارد و (پس از تلقیح) تو می بینی که از لابلای آنها قطرات باران فرو می بارد .

۱۰- کوهها : دانشمندان به تازگی پی برده اند که زمین حرکات سریع و گوناگونی دارد و گاهی از اوقات گازهای متراکمی که در اندرون آن ذخیره شده اند با شدت و همراه با انفجار از آن خارج می گردند . اگر کوهها نبودند قشر زمین دائماً در حال لرزش بود و زندگی بر روی آن غیر ممکن می شد .

کوهها همچون میخ قسمت اعظم آنها در دل زمین قرار دارند و زمین را از متلاشی شدن حفظ می کنند .

ابرها در اثر برخورد به کوهها برگشته و با ابرهای دیگر که دارای بار متضاد هستند برخورد کرده و تشکیل باران می دهند .

« أَفَلَا يَنْظُرُونَ ... وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ »^{۴۷}

آیا به کوهها نمی نگرند که چگونه نصب و پابرجای شده اند .

« أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ، وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا »^{۴۸} آیا ما زمین

را جایگاه آماده ای (برای زندگی شما انسانها) نساخته ایم و کوهها

^{۴۷} - غاشیه / ۱۹ - ۴۸ - نبا / ۷-۶

را میخ هایی (برای نگهداری زمین در برابر فشار مواد درونی)
ننموده ایم .

« وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوْسِيَ شَمِخْتٍ وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فُرَاتًا »^{۴۹} و
در آن (زمین) کوههای بلند و استوار پدید آورده ایم و از آب گوارا
به شما نوشانده ایم .

- ابرهای کوه مانند : اگر با هواپیما از بالای ابرها پرواز کنید و پایین
را بنگرید ، با منظره ی عجیبی روبرو خواهید شد ، چرا که ابرها
دقیقاً همچون کوههایی هستند که با اشکال مختلف در کنار هم
قرار گرفته اند و در میان آنها درّه ها و ناهمواری هایی هم مشاهده
می شود . . .

« أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَّامًا فَتَرَى
الْوَدَّاقَ تَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ
... »^{۵۰} مگر نمی دانی که خداوند آهسته ابرها را (به سوی هم)

می راند سپس آنها را گرد می آورد ، بعد آنها را متراکم و انباشته می سازد ، آنگاه می بینی که باران از لابلای آنها بیرون می ریزد ، و نیز خداوند از آسمان از ابرهای کوه مانند آن ، تگرگهای بزرگی را فرو می ریزد ..

۱۱- انگشت نگاری : انسانها هر چند از نظر رنگ پوست ، نژاد ، استعداد ، توانایی و ویژگیهای جسمانی شباهتهایی باهم دارند ، اما از میان انسانهای اولین و آخرین هرگز دو کس را نخواهی یافت که اثر انگشت آنها یکسان باشد ، چون اثر انگشت هر کس مختص به خود او می باشد . حتی با سوزاندن پوست انگشتان ، در صورت رشد مجدد پوست ، تغییری در اثر انگشت فرد ایجاد نخواهد شد و امروزه این دانش در شناسایی هویت افراد بالاخص جنایتکاران کاربرد زیادی دارد .

« أَتَحْسَبُ الْإِنْسَانَ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ ، بَلَىٰ قَدَرِينَا عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ »^{۵۱} آیا انسان می پندارد که ما استخوانهای (پوسیده و پراکنده ی) او را گرد نخواهیم آورد ، آری (آنها را گرد

^{۵۱} - قیامه ۴-۳

می آوریم) ما حتی می توانیم سر انگشتان او را کاملاً همسان خودش بیافرینیم (و به حال اول باز گردانیم) .

۱۰- تصفیه ی شیر از خون و فضولات : علم اذعان دارد که از شیر ، ابتدا فضولات جدا شده و سپس از خون تصفیه می شود و وارد پستان می گردد .

« وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ بَيْنِ

فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِيبِ ۗ »^{۵۲} بی گمان در وجود چهارپایان برای شما (درس) عبرتی است از برخی چیزهایی که در شکم آنها است شیر خالص و گوارایی به شما می نوشانیم که از میان تفاله و خون بیرون می تراود و نوشندگان را خوش می آید .

۱۱- تعیین جنس جنین : تخمک زن دارای ۲۲ عدد کروموزم عادی به اضافه ی دو کروموزم جنسی ایکس (X) و ایکس (X) ، و نطفه ی مرد دارای ۲۲ عدد کروموزم عادی و یک کروموزم (X) و یک کروموزم ایگرگ (Y) می باشد . مرد برخلاف زن دو نوع

^{۵۲} - نحل ۶۶/

کروموزم جنسی (X و Y) دارد ، اگر تخمک زن با نطفه ی حامل کروموزم جنسی (X) ترکیب شود جنین دختر خواهد شد و اگر با نطفه حامل کروموزم جنسی (Y) ترکیب شود جنین پسر خواهد بود . بنابراین جنس جنین را نطفه ی مرد تعیین می کند نه زن .

« وَأَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ، مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ »^{۵۳}

و اینکه او است که جفت های نر و ماده را می آفریند ، از نطفه ی ناچیز مرد بدانگاه که (به رحم) جهانده می شود.

« أَتَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ، أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِّیْ

یُمْنَىٰ ، ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ، فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ

الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ »^{۵۴} آیا انسان می پندارد که او بیهوده به حال خود

رها می شود ؟ آیا او نطفه ی ناچیزی از منی نیست که (به رحم) پرت و ریخته می شود ، سپس به صورت خون لخته در آمده است و خداوند او را آفرینش تازه ای بخشیده است و بعد اندام او را نظم و

سر و سامان داده است . و از این (نطفه ی مرد) دو صنف نر و ماده را ساخته و پرداخته است ... (هُ ، در مِنْهُ ، ضمیر مذکر است).

۱۲- تحریک و تسهیل زایمان : آزمایشاتی که بر روی رطب (خرمای تازه) انجام پذیرفته ، نشان داده است که :

۱- رطب دهانه ی رحم را منقبض و عضلات آن را در ماههای پایانی دوران بارداری تقویت کرده و زایمان را آسان می گرداند و میزان خونریزی بعد از زایمان را نیز کاهش می دهد .

۲- رطب دارای مقدار زیادی مواد قندی ساده و سهل الهضم است که به راحتی جذب بدن می شود و بهترین غذا برای عضلات و رحم است .

۳- رطب فشار خون زنان باردار را برای مدت کوتاهی پایین می آورد که پس از مدتی به حالت طبیعی بر می گردد . این امر باعث می شود زنان به هنگام زایمان دچار خونریزی کمتری بشوند .
۴- رطب موجب تمیز شدن روده ی بزرگ می شود . معمولاً برای انجام زایمان خوب ، قبلاً زائو تنقیه می شود .

در آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره ی مریم در این باره می فرماید :

«فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلِيَّتْنِي مِمَّنْ قَبْلَ

هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا ، فَنَادَلَهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي قَدْ
جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا ، وَهَزِي إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ
عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا ، فَكُلِي وَأَشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ... « درد زایمان،
او (مریم) را به کنار تنه ی خرمایی کشاند . گفت : کاش پیش از
این مُرده بودم و چیز ناقابل فراموش شده ای بودم ... (جبرئیل) از
پایین او ، وی را صدا زد ، غمگین مباش پروردگارت (پایین تر از)
تو چشمه ای پدید آورده است تنه خرما بُن را بجنبان و بتکان ، تا
خرمای نارس دست چینی بر تو فرو ریزد پس (از این رطب)
بخور و (از آن آب گوارا) بیاشام و (به این فرزند) چشم را روشن
دار ...

اعجاز قرآن در زمینه ی علوم هنری

قرآن در زمینه ی هنری هم معجزه است ، اما با توجه به تخصصی بودن بحث در این زمینه و عدم تحقیق جامع توسط صاحب نظران و عدم دسترسی ما به منابع موجود و گستردگی بُعد هنری قرآن ، لذا به مختصر اشاره ای در این زمینه بسنده می نماییم .

فصاحت و بلاغت قرآن :

فصاحت ؛ به قالب و ظاهر سخن و الفاظ ارتباط دارد و آن بکارگیری کلمات و جملات و ترکیب بندیها به منظور بیان ما فی الضمیر و اندرون به صورت بیان و بدور از هر گونه ابهام ، با هدف رساندن پیام به شنونده است . بلاغت ؛ سخن گفتن مطابق ظروف و شرایط می باشد که قرآن دارای این دو ویژگی است .

آشکار است لغت هم مانند هر پدیده ی دیگری مراحل از تحول و حرکت به سوی کمال را می پیماید ، لغت عرب هم از ساده ترین حالت خود شروع و در سالهای پیش از نزول قرآن به اوج خود (در فصاحت و بلاغت) رسید ، آنچنانکه فن سخنوری

یکی از بارزترین هنرهایی بود که در ماههای حرام (رجب ، ذی القعدة ، ذی الحجه و محرم) در بازار عکاظ و مجنّه سخنوران و شعرا و ادبا با ارائه ی دستاوردهای خود در زمینه ی قصیده ، به تَحَدَى و مبارزه طلبی می پرداختند . قرآن هم در این زمان به منظور اثبات حقانیت خود و معجزه بودنش ، در اوج فصاحت و بلاغت نازل شد که بشر را هرگز امکان دسترسی بدان نیست ، آن هم توسط فردی اُمّی که عمری را در کوهها و بدور از هر گونه آموزش و تعلیم سپری کرده و انتظار نمی رود که در سطح متوسط هم سخنور باشد تا به همگان اعلام دارد که این کتاب کلام پروردگار جهانیان است و منشاء بشری ندارد و جن و انسان را در تمام عصرها به مبارزه می طلبد . « وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ مِثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ، فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۗ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ »^{۵۵} اگر در باره ی آنچه بر بنده ی خود نازل کرده ایم دچار شک و دو دلی هستید

سوره ای همانند آن را بسازید (و ارائه دهید) و گواهان خود را بجز خداوند فرا خوانید (تا بر صدق چیزی که آورده اید و همسان قرآنش می دانید شهادت دهند) اگر راستگو و درستکارید ... و اگر نتوانستید و هرگز نخواهید توانست پس خود را از آتشی که همیشه و افروزینہ ی آن انسان و سنگ است بدور دارید ، آتشی که برای کافران آماده شده است .

« قُلْ لِّئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا

الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا »^{۵۶}

بگو : اگر همه ی مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر اینکه همچون این قرآن را بیاورند نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند ...

در طول تاریخ مخالفان قرآن به روش های مختلف و در هر زمینه ای که امکان دشمنی (جنگ و جدال ، تهمت ، کشتار ، زندان و تبعید و...) احساس کرده اند بر علیه اسلام و مسلمانان اقدام نموده اند ، اما در این زمینه (فصاحت و بلاغت قرآن) با

^{۵۶} - اسری/۸۸

وجود سادگی ظاهری آن ، چون به یقین خویش را ناتوان دیده اند ، مهر سکوت بر لب زده اند ... این درماندگی جن و انسان را تاریخ در تمام ادوار و احوال تأیید کرده و به ثبت رسانده است

آهنگ و موسیقی قرآن :

شکی نیست که آهنگ ها بر روان انسان تأثیر می گذارند و این تأثیرات مختلف و گوناگونند ، آشکار است ، بعضی از این آهنگ ها ضربات روانی بس ناگواری بر روان انسان وارد می کنند ، معمولاً آهنگ های ساخت بشر از این گونه اند و آهنگ های موجود در جهان آفرینش همچون صدای پرندگان ، تسکین دهنده و آرام بخش و دلنشین هستند . اما یگانه آهنگ سازگار با روان انسان آهنگ قرآن است . و به یقین می توان گفت : برای تأمین غذای روان انسان از طریق آهنگ و موسیقی باید به آهنگ قرآن و آهنگ هایی که با قرآن هماهنگ می باشند پناه برد . آهنگی که اگر بشر تمام توان خود را در آن زمینه بکار گیرد در ارائه ی مثل آن عاجز و ناتوان خواهد بود . حتی بسیاری آن چنان با آهنگ و موسیقی قرآن مانوس و هماهنگ می باشند که شدیدترین اضطرابها و فشارهای روانی و دردهای جسمانی را با تلاوت قرآن و

یا با آهنگ و موسیقی آن دفع می نمایند و به وسیله ی قرآن به آرامش واقعی می رسند .

تمثیل در قرآن :

قرآن به منظور تفهیم بهتر حقایق ، آن را به جامه ی تمثیل می آراید مانند این آیه که درباره ی زن و شوهر آمده است : «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِهِنَّ^{۵۷} ...» آنان (زنان) برای شما پوشش و لباس هستند و شما هم برای آنان لباس هستید.

۱- یکی از شرایط لباس این است که متعلق به صاحبش باشد و جز او مالک دیگری نداشته باشد . همچنان همسر هم بایستی متعلق به همدیگر باشند نه کس دیگری ؛ صورت و سیما و زیبایی ، جسم و .. اگر یک بخش لباس به مالک و بخش دیگر آن به شخص دیگری متعلق باشد ، و شخص دیگر سهم خود را پس بگیرد ، پوشیدن نصف لباس چگونه حالتی دارد !؟

۲- یکی دیگر از ویژگی های لباس پوشاندن عورت انسان است که مرد و زن نسبت به هم عورت یکدیگر را می پوشانند.

^{۵۷} - بقره/۱۸۷

۳- از دیگر ویژگی های لباس پاک و تمیز بودن آن است . زن و شوهر هم باید پاک و تمیز باشند ، اگر یکی ناپاک (و دچار بیماری جنسی سوزاک ، سفلیس ، ایدز و ...) باشد دیگری را هم ناپاک (بیمار) خواهد کرد . همچنانکه لباس آلوده به نجاست ، ناپاکی را هم به جسم منتقل خواهد نمود ...

۴- بایستی لباس با شرایط و وضعیت اجتماعی و فرهنگی هماهنگ و متناسب باشد ، زن و شوهر هم باید نسبت به هم در یک سطح و یا نزدیک به هم باشند . و الا در زندگی آنها ناهماهنگی و ناسازگاری بسیار مشاهده خواهد شد .

اعجاز قرآن در زمینه ی اخبار غیبی

۱- غلبه ی روم : قبل از هجرتِ مسلمانان به مدینه ، جنگی میان روم و ایران در گرفت و در این جنگ رومیان شکست خوردند و این حادثه سبب خوشحالی و شماتت مشرکان مکه شد که هم کیشان آنان (مشرک های ایران) بر هم کیشان مسلمان (اهل کتاب) پیروز شده اند ...

خداوند متعال به منظور دلداری مسلمانان و اثبات اعجاز قرآن ، پیروزی رومیان بر ایرانیان را در کمتر از ۹ سال آینده مژده داد ...

أَبِي ابْنِ خَلْفٍ از مشرکان مکه به امید کذب این خبر غیبی با حضرت ابوبکر بر صد شتر شرط بندی کرد ... پس از ۷ سال مقارن با صلح حدیبه این خبر غیبی به وقوع پیوست و حضرت ابوبکر شترها را از وارثین ابی ابن خلف دریافت کرد و در راه خدا انفاق نمود . .. «غَلِبَتِ الرُّومُ ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ، فِي بَضْعِ سِنِينَ...»^{۵۸} رومیان از ایرانیان شکست خورده اند (این شکست) در نزدیکترین (پا پایین ترین) سرزمین (به دیار عرب - نواحی شام و نزدیک بیت المقدس - رخ داده است) و ایشان پس از شکستشان در مدت چند سالی پیروز خواهند شد .

۲- پایین ترین نقطه از سطح دریا : مفسرین واژه ی " ادنی " در آیه .. « غَلِبَتِ الرُّومُ ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ

^{۵۸} - روم/۴-۲

سَيَغْلِبُونَ ، فِي بَضْعِ سِنِينَ... » به دو معنی بیان کرده اند : یکی نزدیکترین و دیگری پایین ترین . جنگ ایران و روم در سرزمین شام نزدیک بیت المقدس رخ داده است و آن نقطه پایین ترین نقطه ی جهان از سطح دریاها است .

۳- فتح مکه : پیغمبر (ص) در مدینه و قبل از عزیمت به حدیبیه در خواب دید که او و اصحاب داخل مکه شده اند و کعبه را طواف می کنند . پیامبر (ص) این فتح را به یاران مژده داد . «لَقَدْ

صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ^ط لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ

إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا

تَخَافُونَ... »^ط ۵۹ خداوند خواب راست و درست به پیغمبر خود

نشان داده است ، به خواست خدا همه ی شما در امن و امان و سرتراشیده و مو کوتاه کرده و بدون ترس داخل مسجد الحرام خواهید شد .

۵۹ - فتح/۲۷

۴- حفظ پیامبر (ص) : پیامبر (ص) با وجود دشمنان بسیار و طرح و نقشه ی فراوان برای کشتنش ، خداوند به وی وعده می دهد که هرگز دشمنانش نمی توانند او را بکشند و همه طرح ها و نقشه های آنان در رابطه با قتل پیامبر (ص) نقش بر آب خواهد شد . « يَتَأْتِيهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ^ط وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ^ج وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ^ط إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ... » ^{۶۰} ای فرستاده (محمد ص) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به مردم) برسان ، اگر چنین نکنی رسالت خدا را (به مردم) نرسانده ای خداوند تو را از مردمان محفوظ می دارد .

۵- نابود شدن دشمنان پیامبر (ص) : « هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِأَهْدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ^{۶۱} » خداوند است که پیغمبر خود را همراه با هدایت و رهنمود

۶۱- صف/۹

۶۰- مائده/۶۷

(آسمانی) و آئین راستین (اسلام) فرستاده است تا این آئین را بر همه ی آئین های دیگر چیره گرداند ، هرچند مشرکان دوست نداشته باشند .

۶- حفظ قرآن : « إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » ۶۲

ما خود قرآن را فرستادیم و خود ما پاسدار آن می باشیم (و تا روز رستاخیز آن را از دستبرد دشمنان و از هر گونه تغییر و تبدیل محفوظ و مصون می داریم) .

۷- اختراع وسایل نقلیه : « وَالْحَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ

لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً ۶۳ وَتَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ » (خدا) اسب ها

و استرها و الاغ ها را (آفریده است) تا بر آنها سوار شوید و زینتی باشند (که به دلهایتان شادی بخشند و خداوند) چیزهایی را (برای حمل و نقل و طی مسافت ها) می آفریند که (شما هم اینک چیزی از آنها) نمی دانید ...

۶۲ - حجر / ۹ - ۶۳ - نحل / ۸

۸- سخن گفتن حیوانات : امروزه دانشمندان ثابت کرده اند که حیوانات علاوه بر زبان مادری ، یک زبان رسمی و بین المللی دارند که به کمک آن ، زبان همدیگر را می فهمند و در مواقع خطر از طریق این زبان همگان را از وجود خطر مطلع می کنند ...

« حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا

مَسْكِنَكُمْ لَا تَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ »^{۶۴}

(هنگامی که حضرت سلیمان و لشکریان به دره ی مورچگان رسیدند) مورچه ای گفت : ای مورچگان به لانه های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش بدون اینکه متوجه باشند (ندانسته) شما را پایمال نکنند ...

« فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تَحِطْ بِهِ ۗ وَجِئْتُكَ

مِن سَبَأٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ »^{۶۵} چندان طول نکشید (که هُدهد برگشت

و) گفت من بر چیزی آگاهی یافته ام که تو از آن آگاه نیستی من برای تو از سرزمین سبأ یک خبر قطعی و مورد اعتماد آورده ام ...

^{۶۴} - نمل/ ۱۸ ^{۶۵} - نمل/ ۲۲

۹- امواج عمقی دریا : برای اولین بار در سال ۱۹۰۰ میلادی دریانوردان اسکانیدیناوی به هنگام غواصی در اعماق دریاها متوجه موجهای عظیم و خطرناک قسمت‌های عمقی دریاها شدند .

«أَوْ كُظِّمَتْ فِي نَحْرِ لُجِّي يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظَلَمْتُ بَعْضَهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرِنَهَا وَمَنْ لَّمْ تَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»^{۶۶} یا

(وضع و حال بی باوران) بسان تاریکی هایی در دریاها عمیق امواجی است که امواج عظیم دیگری آن را فرا گرفته باشد و بر فراز آن امواج عظیم ، امواج عظیم دیگری (امواج سطحی) قرار گرفته باشد و بر فراز امواج ابرهای تیره باشند ، تاریکیها یکی بر فراز دیگری جای گرفته ، هرگاه دست خود را بیرون آورد ممکن نیست که آن را ببیند و کسی که خدا نوری بهره ی او نکرده باشد نوری ندارد .

۱۰- برافروخته شدن آبها : آب از دو عنصر ئیدروژن و اکسیژن ترکیب یافته است ، ئیدروژن خود به تنهایی گازی است سخت

سوزان و اکسیژن هم ماده ای است که به عمل سوختن کمک می کند . با توجه به اینکه قبل از وقوع قیامت ، جهان فعلی نابود می شود و نظم مقرر و حاکم بر آن هم بر هم می خورد ... با توجه به اشاره ی قرآن یکی از آن حوادث مهم جدایی دو عنصر سازنده ی آب (ئیدروژن و اکسیژن) از همدیگر می باشد . « وَإِذَا أَلْبَحَارُ سُجِّرَتْ »^{۶۷} و هنگامی که دریاها سراسر آتش می گردند.

قرآن مملو از اخبار غیبی ؛ همچون سرگذشت پیشینیان و حوادث و اتفاقاتی است که در زمان پیامبر به وقوع پیوسته و خداوند قبل از وقوع ، پیامبرش را از وجود آن حوادث مطلع ساخته و هم چنین حوادثی که تعدادی از آنها را علم ثابت نموده و بسیاری هم همچنان در پرده ی ابهام باقیمانده اند که ما به منظور اثبات اعجاز قرآن به همین اندک بسنده کردیم ...

^{۶۷} - تکویر/۶

اعجاز عددی قرآن

قرآن برخلاف همه کتابها طبق یک سیستم عددی تنظیم شده و از طریق کامپیوترهای الکترونیکی رموزی کشف شده ، که نشان می دهد تک تک کلمات قرآن ، بلکه یکایک حروفش طبق سیستمی استادانه و پیچیده جای گذاری شده که خارج از توان هر نوع قدرت انسانی است . این پدیده نه تنها معلوم می دارد که قرآن کلام خداوند است بلکه مؤید این حقیقت است که هرگز قرآن دستخوش تغییر و تحریف نبوده و چیزی از آن مفقود یا حذف و اضافه نشده است ... کلید معجزه قرآن در اولین آیه قرآن « بسم الله الرحمن الرحیم » قرار دارد ، یدینگونه که در اولین بار بررسی، مدرک غیر قابل مناقشه ای ارائه می شود مبنی بر اینکه قرآن کلام خداوند است

هنگامی که تعداد حروف اولین آیه قرآن را می شماریم می بینیم که ۱۹ حرف است و هریک از این کلمات در تمام قرآن به صورت مضربی از عدد ۱۹ می باشد .

کلمه " اسم " در سراسر قرآن ۱۹ بار تکرار شده است .

کلمه " الله " ۲۶۹۸ بار که عبارت است از : 19×142

کلمه " الرَّحْمَن " ۵۷ بار که عبارت است از : ۱۹×۳

کلمه " الرَّحِيم " ۱۱۴ بار که عبارت است از : ۱۹×۶

اگر ترتیب و توالی آیات را مرور کنیم خواهیم دید که نخستین آیات نازل شده شامل ۱۹ کلمه است و بار دوم آیات اولیة سورة قلم و بار سوم آیات اولیة سورة المزمّل و در مرتبة چهارم آیاتی از سورة مدثر که بیانگر عدد ۱۹ می باشند .

حروف مقطعه

۲۹ سورة قرآن با حروف مقطعه شروع شده اند و این حروف منحصر به قرآن است . این حروف با عدد ۱۹ یعنی حروف « بسم الله الرحمن الرحيم » رابطه مستقیم دارند که ۱۴ حروف در تشکیل ۱۴ سری از حروف مقطعه در ۲۹ سورة قرآن دخالت دارند یعنی :

$$۵۷ = ۲۹ + ۱۴ + ۱۴$$

که ۵۷ مضربی از عدد ۱۹ می باشد .

حروف آغازین سورة های " قاف و شوری " حرف " ق " است که در هریک ۵۷ یا ۳×۱۹ بار تکرار شده است و مجموع آن $۵۷ + ۵۷ = ۱۱۴$ برابر تعداد سورة های قرآن می باشد .

آغاز سوره " قلم " با حرف مقطعه " ن " و تعداد تکرار ۱۳۳ یا 7×19 بار و آغاز سوره های " اعراف ، مریم ، ص " با حرف مقطعه " ص " که مجموع تعداد وقوع حرف " ص " در این سه سوره برابر عدد ۱۵۲ یا 8×19 می باشد.

حرف " الف " در ۱۳ سوره به تعداد ۱۷۴۹ (19×921) بار و حرف " ل " در ۱۳ سوره به تعداد ۱۱۷۸۰ (19×620) بار و حرف " م " در ۱۷ سوره به تعداد ۸۶۸۳ (19×457) بار و مجموع آنها ۳۷۹۶۲ (19×1998) بار مضربی از عدد ۱۹ است و همچنین سایر موارد ...

هر سال ۱۲ ماه است کلمه " شهر " به معنی ماه است که در قرآن فقط ۱۲ بار به تعداد ماههای سال تکرار شده است.

هر سال قمری ۳۵۵ روز است کلمه " یوم و ایام " به معنی روز و روزها است که در قرآن فقط ۳۵۵ بار به تعداد روزهای سال قمری تکرار شده است. و

رمز ریاضی موجود در قرآن بیانگر آن است که هر کلمه و در واقع هر حرف در قرآن دارای نظم و محاسبه و موضعگیری دقیق و

دلیل محکمی است بر اینکه قرآن نمی تواند ساخته بشر باشد بلکه کلام پروردگار و برنامه هدایت برای همه انسانهاست ...

« قُلْ لِّئِنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَيَّ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا

الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا »^{۶۸}

بگو: اگر همه ی مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر اینکه همچون این قرآن را بیاورند نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند هرچند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند ...

آیا قرآن جوابگوی نیازهای انسان در تمامی ادوار می باشد ؟

قرآن کتابی است که عقیده ی پاک و زلال توحیدی را بطور کامل و جامع بیان کرده و در هیچ عصر و زمان و شرایطی تناقض و نارسایی در عقیده ی قرآنی ایجاد نخواهد شد . و از نظر ایدئولوژی کاملترین اصول ثابت نظام اجتماعی ، اخلاقی ، سیاسی ، اقتصادی ،

^{۶۸} - اسری/۸۸

عبادی ، بین المللی و ... را ارائه داده و نیازی به اصلاح و تغییر نداشته و در مرحله ی اجرا از انعطاف پذیری بالایی برخوردار می باشد و هرگز گذشت ایام آن را کهنه و فرسوده نخواهد کرد و از اعتبار آن نخواهد کاست .

قرآن را در قالب مثال می توان به زمین تشبیه کرد . زمین گرچه میلیونها و بلکه میلیاردها سال از آفرینش آن می گذرد ، اما هرگز گذشت ایام از ارزش و اعتبار آن نکاسته است و همچنانکه قرنها پیش جوابگوی نیازهای جوامع ابتدایی و سنتی بوده است امروزه هم با وجود گستردگی و تنوع نیازهای انسانی از طریق استخراج معادن و بکارگیری تکنولوژی پیشرفته همچنان زمین در رفع نیازمندیهای انسان عاجز و درمانده نیست و نخواهد بود ... قرآن هم دقیقاً چنین حالتی دارد ، اگر قرآن پیروان کارشناس و متخصص و مجهز به علم و دانش روز و برخوردار از قوه ی ابتکار و خلاقیت داشته باشد ، به یقین همچون متخصصان و کارشناسان استخراج کننده ی معادن از دل زمین ، آنها هم با استنباطات عصری خود از قرآن خواهند توانست به همه ی سئوالات و نیازهای انسان پاسخ داده و راهکارهای حل کلیه ی مسائل و مشاغل جامعه ی انسانی را ارائه نمایند ...

ثوابت و متغیرات اسلام

عده ای اظهار می دارند با توجه به اینکه شریعت خدایی ثابت ، و زندگی انسان به شدت در حال تغییر و تحول است و انسان امروزی در اثر پیشرفت های فراوان قدم به کره ماه نهاده و اتم را شکافته و هزاران شگفتی دیگر آفریده است ، لذا شریعت خدایی با زندگی نوین و مُدرن امروزی او هماهنگی و تطابق ندارد و بایستی بشریت خود برای سر و سامان دادن به زندگیش برای خویشتن قوانین وضع نماید .

گویندگان این سخن باید بدانند که ، با گفتن این سخنان ، از دایره ی دین خارج می شوند ، زیرا صفات علم و حکمت خداوند را منکر شده و چنان پنداشته اند که گویا خداوند از تحوّل زندگی و ترقی بشر خبر نداشته است و تدوین قوانین ثابت و اجرای آنها در زمانهای متغیر امری نادرست و کاری بدور از حکمت است .

اجتهاد وسیله و ابزاری دائمی است که ثوابت و متغیرات را در زندگی شخص مسلمان به هم ربط می دهد و زندگی مسلمان را در چهار چوب برنامه و شریعت خدایی حفظ می نماید .

اجتهاد برابر قاعده و قانون و در چهارچوب مشخصی جریان

می یابد و به کمک آن برای امور تازه در محدوده ی شریعت خدایی که به سبب آن هیچ حلالی ، حرام و هیچ حرامی ، حلال نمی شود تعیین تکلیف می گردد . و بدین گونه میان زندگی مؤمنانه و تغییرات زمان هماهنگی ایجاد می نماید .

تفاوت میان مجتهد در اسلام و قانونگذار جاهلیت در این است که ؛ مجتهد مسلمان مقید به رعایت جانب اصلاح بوده و اجتهاد او منجر به مباح شدن فساد و ربا و ... نمی شود ، اما قانونگذار جاهلی ملتزم به رعایت جانب اصلاح نمی باشد و هر فسادی از دیدگاه آنها در صورت میل و رغبت بدان (همچون شرابخواری ، زنا و بی بند و باری ، رشوه خواری و ...) مباح می شود . و تبدیل حرام به حلال بسیار آسان است و نیازی به قید و بند و رعایت جانب اصلاح نیست...

گذشت زمان هرگز موجب کهنه شدن زمین و منابع آن و خورشید و پرتوهای حیات بخش وی نشده و هرگز سبب نشده تا تاریخ مصرف و اعتبار خود را از دست دهد ، بدین گونه هم هرگز تحول و تنوع زندگی موجب کهنه شدن و کاستن از اعتبار حق و عدالت ، صداقت و راستی ، عفو و بخشش ، ایثار و فداکاری ، و سایر حقایق دینی نمی شود.

اثر ایمان به وحی

اگر انسان ، قرآن را بر مبنای دلایل علمی و اقناع عقلی به عنوان وحی و پیام خداوند و معجزه ی جاوید پیامبر (ص) بپذیرد و این پذیرش علمی و عقلی را به عنوان یک ارزش درونی کرده و نسبت به آن ایمان و اذعان قلبی پیدا نماید ، آثار مفیدی بر قلب و روان او بر جای خواهد گذاشت از جمله :

۱- در کنار قرآن به آرامش روحی و روانی واقعی دست خواهد یافت ، چون قرآن را یگانه منبع صحیحی می داند که از هر گونه عیب و نقص و ایراد و اشکال بدور می باشد . « ذَلِكِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ »^{۶۹} این کتاب (قرآن یگانه منبعی است که) شکی در آن نیست برای پرهیزکاران وسیله هدایت است.

۲- قرآن را کامل ترین و جامع ترین برنامه ی زندگی و تبیان لِكُلِّ شَيْءٍ (بیانگر همه چیز) دانسته و به یقین می داند که با تفکر و تدبر عمیق در آیات آن به پاسخ همه ی سئوالات و روش رفع مشکلات خود و جامعه اش دست خواهد یافت .

^{۶۹} - بقره / ۲

۳- تمایل به صعود و کسب فضایل انسانی و دست یافتن به نعمات جاوید بهشت ، انگیزه ی عمل به قرآن را در او ایجاد می نماید .

« إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ

أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ »^{۷۰} مؤمنان

هنگامی که به سوی خدا و پیامبرش فرا خوانده می شوند تا میان آنان داوری کند ، سخنشان تنها این است که می گویند : شنیدیم ، اطاعت کردیم ، و رستگاران واقعی ایشانند ...

۴- ترس از عذاب سخت دوزخ موجب تنفر و انزجار از رذایل اخلاقی و دوری از گناه و معصیت و سقوط در فساد و گمراهی می شود ...

۵- به یقین در می یابد که سایر مکاتب ریشه در جهل و مکر و فریب داشته و هدفی جز رسیدن به اهداف ناپاک خود و استعمار انسانها و فساد جوامع ندارند و تبعیت از آنها را برای خود ننگ و عار می داند.

^{۷۰}- نور/۵۱

منابع و مأخذ

- ۱- تفسیر نور
 - ۲- احادیث نبوی
 - ۳- درسهای عقیده
 - ۴- عقیده الاسلامیه
 - ۵- روح الدین الاسلامی
 - ۶- الرّسول
 - ۷- التوحید
 - ۸- قرآن در عصر کامپیوتر
- دکتر مصطفی خرم دل
صحاح سته
استاد سبحانی
حبنکه الميدانی
عفیف طبّاره
سعید حوی
عبدالمجید الزّندانی